

## تحول اوضاع، در کدام جهت؟

مساله چشم انداز تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس و اینکه سرانجام رژیم جمهوری اسلامی بسا پدیدههایی که آنرا محاصره نموده، چگونه تعیین تکلیف خواهد نمود، مهمترین مساله است که تمام کسانی که اوضاع منطقه را دنبال میکنند، بسندان می بردارند. اما برای مقاومت انقلابی درک مکانیسم تحولات و پیش بینی چشم انداز، از اهمیت بسیار برخوردار است. زیرا سیر اوضاع در لحظه کنونی در واقع تمام تئوریهها و پیش بینی های گذشته را محک میزند و مهمتر از آن چگونگی برخورد با آنچه پیش میاید را تعیین میکند.

نخستین مساله ای که باید بدان پرداخته شود، اینست که آیا اوضاع بین المللی در رابطه با جنگ ایران و عراق نسبت به سال گذشته تغییر کرده است یا نه؟ بر اساس مدارک و اسنادی که تا کنون در مطبوعات جهان منتشر شده است، سیاست امریکا تا اواخر سال گذشته به تقویت رژیم خمینی بنا نهاده شده بود. گر چه رژیم خمینی یک رژیم ایده آل امپریالیسم امریکا نبود، اما بعقل حمله ارتجاعی ضد کمونیستی و ضد انقلابی این رژیم و نیز مقابله رژیم با مقاومت انقلابی و نیز تقویت گرایشات پان اسلام

میسی در مقابل گرایشات مترقیانه توسط این رژیم امریکا را وادار میکرد که در مقابل بشرفتح انقلاب و تا جایی که الترناتیو مطلوب خود را ایجاد نکرده است، از این رژیم حمایت کند. نقطه اوج این سیاست، تلاش برای جایگزین کردن یک رژیم امریکایی بجای حکومت فعلی عراق با این تضمین که پس از این جریان رژیم خمینی در مرزهای شناخته شده بین المللی متوقف شود و دست از سر کویت، عربستان سعودی و دیگر اعمار امریکا در منطقه بردارد.

این سیاست امریکا با شکست مقتضایان مواجه شد. شکلی که دولت هایی که تا خرخره در باطن امپریالیسم امریکا غرق بودند را ب فکر استفاده از این موقعیت و وارد نمودن اتحاد شوروی در معادلات منطقه، انداخت. امریکا که تا سال گذشته سیاستی را در پیش گرفته بود که با تقویت رژیم خمینی و تضعیف حکومت عراق به تقویت گرایش "پراگماتیک" در تشکیل حکومت خمینی که خواستار "سازندگی" از کانال مراودات طرغشرب در منطقه

## بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

شورای ملی مقاومت ایران در آخرین اجلاس خود در روزهای ۱۱ و ۱۲ آبان ماه، که در یکی از پایگاه های مقاومت در محاورت مرزهای صیبن برگزار گردید، پس از استماع گزارش مسئول شورا در باره اوضاع عمومی کشور و موقعیت بحرانی رژیم و نیز بحث و گفتگو در باره بشرفتح مقاومت مسلحانه و دست آوردهای کرانقدر اخیر آن، پس از تشکیل ارتش آزادیبخش ملی، در زمینه جنگ و بحران خلق فارس به نتیجه گیریهای زیر رسید.

۱- قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد، که به اتفاق آرا به تصویب رسید و محتوای آن در اساس با طرح صلح شورای ملی مقاومت همخوانی دارد، بهترین اقدامی است که تا کنون از سوی جامعه بین المللی برای برقراری صلح صورت گرفته است. رژیم جنگ افروز خمینی که سالیهاست با هر نوع میانجیگری جهت پایان دادن به جنگ مخالفت میکند این بار نیز به انواع حیل و بهانه برای جلوگیری از اجرای این قطعنامه و خنثی کردن آثار و نتایج آن متوسل شده است. رژیم خمینی تا کنون بارها از زبان سخنگویان رسمیش شرط پذیرش صلح را سقوط حکومت عراق و، ما لا، روی کار آمدن دولت نشاندگان خود در آن کشور اعلام کرده است، در یکی دو سال گذشته نیز در راه اجرای هدف توسعه طلبانه اش تا آنجا پیش رفت که با کشورهای همسایه و نیز شیطنتهای بزرگ و کوچک میخواند، در طرح توطئه برای براندازی حکومت عراق شریک شد و حتی به صراحت اعلام کرد که آماده است با هر حکومت دیگری ولو کاملاً "امریکایی" باشد، قرارداد صلح امضاء کند. اما به دنبال افشای روابط پنهانی رژیم با امریکا و اسرائیل و سپس شکست

در صفحه ۱۰

## سقوط ارزش سهام و بحران سرمایه داری

روز دوشنبه ۱۹ اکتبر با سقوط قیمت های بازار بورس که ناشی از فروش بی سابقه سهام در بازارهای مربوطه بود "والت استریت" در نیویورک در درباری از پیشنهاد فروش غرق شد. در این حال قیمت طلا با افزایش نسبی به حدود هر اونس ۴۹۰ دلار رسید. بازار بورس سقوطی در حدود ۲۲/۶٪ را متحمل شد که در نوع خود بی سابقه بود. در مقایسه با در صد سقوط سهام در دوره قبلی بحران سهام در سال ۱۹۲۹ که تنها ۱۲/۸٪ بود پایه های سیستم سرمایه داری در جهان به لرزه درآید. بلافاصله کشورهای اروپایی و آسیایی که رابطه پولی با دلار داشتند بطور بی سابقه ای در بحران گرفتار آمدند. بازار بورس در هنگ کنگ یک هفته تعطیل شد. در فرانسه در فاصله دو روز یعنی ۱۹ و ۲۰ اکتبر سقوط سهام تا میزان ۹/۹٪ کاهش داشت. در آلمان در همین روز کاهش بهای سهام تا ۸/۳٪ در مجموع تخمین زده شد.

در صفحه ۹

## مصاحبه رفیق مهدی سامع با نشریه ابلاغ

در صفحه ۵

## سلسله عملیات درخشان ارتش آزادیبخش ملی ایران

در صفحه ۶

## کنفرانس فوق العاده سران عرب

کنفرانس فوق العاده سران عرب مرکب از روسا و نمایندگان ۲۱ کشور عرب باضافه سازمان آزادیبخش فلسطین بمنظور بررسی مسائل مختلف در روز یکشنبه ۸ نوامبر در عمان پایتخت اردن تشکیل گردید.

این کنفرانس بدنبال عدم پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره آتش بس بین ایران و عراق، از طرف رژیم خمینی در ماه سپتامبر توسط چند کشور عربی درخواست شد. ملکه حسین پادشاه اردن که ریاست این اجلاس را بر عهده داشت در اولین روز برگزاری این کنفرانس در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که هدف از تشکیل این کنفرانس در درجه اول دستیابی به موضعی واحد در قبال جنگ بین ایران و عراق است. در میان مسائلی که مورد بررسی این اجلاس قرار گرفت مسئله محکوم کردن رژیم خمینی بخاطر جنگ طلبی در خلیج فارس،

در صفحه ۴

## پان اسلامیسیم و فراماسونری

ترجمه ای از مجله "ارسنا"

در صفحه ۷

## شبنامه های مقاومت

اعلامیه ای از رفقای سازمان در تهران

در صفحه ۹

## پایگاه شیوه میر مورد حمله بیشمرکان فدایی قرار گرفت

در صفحه ۶

## تحول اوضاع، در کدام جهت؟

از صفحه ۱

بود، بپردازد، به این نتیجه رسید که این سیاست از کانال امتیاز دهی به رژیم خمینی، قابل یک اجرای کاملاً تضمین شده نیست، با توجه به اینکه آمریکا نمیتوانست اوضاع را بحال خود رها کند و با توجه به اینکه اتحاد شوروی نیز گرچه نه قاطعانه اما بهر حال بنحوی وارد مسائل منطقه خلیج فارس (که نسبتاً از مناطق مانور غرب بوده) شده و با توجه به وجود یک مقاومت انقلابی نیرومند و مسلح در ایران، که تمام تلاشهای ارتجاعی نتوانسته است آنرا نابود کند، برای آمریکا راهی جز حضور مستقیم در خلیج (که ضمناً آرزوی دیرین امپریالیسم آمریکا هم بوده) نمی ماند. آمریکا این بار برای "مبار" کردن جمهوری اسلامی و برای حفظ موقعیتی که با ماجرای "خمینی و ریگان - کنترا" بهم خورده بود، مجبور به لشکر کشی به خلیج فارس شد. این اقدام، همزمان با فعال شدن آمریکا در شورای امنیت و تصویب قطعنامه ۵۹۸ و اقدامات و حرکات بعدی آمریکا، نشان می دهد که این حضور جدی است و آمریکا بطور بیکیفر بدنبال دست یابی به نقشه های خود که حداقل آن "آتش بس" است می باشد. میتوان گفت که از نظر آمریکا "مبار" شدن جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، چیزی جز "آتش بس" که چه رسماً اعلام شود و چه نشود، باید عملاً اجرا شود، معنی و مفهوم ندارد. طبیعتاً برای حکومت ریگان، بسی مطلوب است که با وجود همین حکومت خمینی، آتش بس صورت گیرد. چه بسا که برای تحقق این امر مطلوب، آمریکا به تلاشهای متعددی دست زند و ۱۰۰۰ اما این یک واقعیت انکار ناپذیر است که رژیم خمینی با نظامی کردن تمام دستگاه حکومتی اش، با به خدمت گرفتن تمام دستگاه سیاسی و اجتماعی جامعه برای جنگ، و با توجه به اینکه دستگاه حکومتی خمینی، یک دستگاه تمام عیار جنگی است، آتش بس آنچنان شکافی در این دستگاه ایجاد خواهد کرد، که هیچ قدرتی نمیتواند از آن جلوگیری کند. اینکه چه نیرویی قادر خواهد بود از این شکاف بسود نقشه خود استفاده کند، و اساساً مسأله وجود یا عدم وجود نیرویی که بتواند از این شرایط بسود خود استفاده کند، مانع بروز یک شکاف عمیق در دستگاه حکومتی نمیشود. به این مسأله گردانندگان رژیم و بخصوص شخص خمینی بخوبی آگاه است. اینکه خمینی یکبار گفته بود که اگر صلح میخواهد برود دعا کنی که خمینی بمیرد، بدان دیگری از وضعیت رژیم در شرایط آتش بس است. بدین لحاظ است که باید گفت علیرغم دوری جستن طرفین تضاد در خلیج فارس (ریگان - خمینی) از درگیری مستقیم و حاد و علیرغم اینکه بخواهی رژیم خمینی بر خلاف ادعاهای توخالی قبلی، بهیچ وجه نخواهد با خود "شیطان" درگیر شود، رژیم خمینی در مقابل بمباران سکوی نفتی رستم، به بندر کویته موشک پرتاب کرد) به علت اینکه در لحظه کنونی رژیم خمینی قادر به قبول آتش بس نیست، پس روند اوضاع در خلیج فارس بسعت تشدید نشادها، و بحرانی شدن هر چه بیشتر اوضاع پیش میرود.

در زمینه داخلی نیز رژیم با بمبارانه ترین بحران اقتصادی - سیاسی روبروست. گر چه برای رژیم بحران را، وجود بحران یک "نعمت" است، اما رشد تضادها در هیئت حاکمه، اکنون به درجه ای رسیده است که طی ماههای گذشته، خمینی برای کنترل آوندهای گرگ صفت دستگاه حکومتی اش، خود به صحنه آمد.

عرصه اصلی نمود نشادهای درون حکومت در مسأله انتخابات است. تمام دسته بندیهای درون حکومت اکنون تلاش میکنند تا بسود خود، نیرو جمع کنند. خواست رفسنجانی و باند او، مجلس یکتا پارچه است. رفسنجانی جناح "محافظة کار" را مانع اصلی پیشرفت سیاستهای خود میداند. خارج نمودن منتظری از صحنه اصلی و راندن او به جبهه های فرعی، ضربه به محافظه کاران را بسی مشکل تر نموده است.

اینکه سید مهدی هاشمی اعدام میشود و پسر آخوند کاشانی به زندان محکوم میشود، نشان میدهد که دستگاه محافظه کار و مدافع فقه سنتی، هنوز از آنچنان قدرتی برخوردار است که باند رفسنجانی نمیتواند بسادگی آنان را حذف کند. علاوه بر این باید به یک جبهه بندی که عملاً در مقابل باند رفسنجانی شکل گرفته، اشاره نمود. این جبهه بندی، علیرغم ترکیب بسیار متضادش، اساساً طیفی ترین و اکنح در مقابل تعرضات باند رفسنجانی به رقبا است. این امر البته تا زگی ندارد. در تاریخ جمهوری اسلامی هم در مقابل ورته اصلی دستگاه حکومتی، یعنی جناح موسوم به خط امام، همواره جبهه بندیهایی با ترکیبهای متضاد بوجود آمده است. بنا بر این هماهنگی جریانهای مثل باند رسالت، باند ضربه خورده منتظری، باند خامنه ای و دارودسته بازرگان و ۱۰۰۰۰ در مقابل باند رفسنجانی نه تضادی و نه بی قانون است. اینکه آیا رژیم قادر به برگزاری انتخابات خواهد بود یا نه بستگی به این امر دارد که مجموعه تضادهای شدت یابنده چه اقداماتی را به رژیم تحمیل کند. این امر مسلمی است که جناح رفسنجانی تضعیف نمیشود. اما ممکن است بعلت شکستهای فزاینده رژیم در جبهه ها و با در خلیج فارس، رژیم را به این امر بکشاند که اساساً انتخابات مجلس را برگزار ننموده و بسعت ایجاد یک کمیته متمرکز برای پیشرفت کار حکومت سبابت ورزد. این طرحی است که رژیم مدتها قبل آنرا پیش بینی کرده و اولین بار توسط رادبو مجاهد افشاء گردید. صرف نظر از اشکال برخورد رژیم بسا تضادهای درونی، آنچه به مضمون نشاد در هیئت حاکمه برمی گردد، این تضاد شدت و حدت می یابد و تا انتخابات دوره سوم مجلس در پایان سال جاری، اوج خواهد گرفت. از این جهت چه به لحاظ نشادها و درونی رژیم، چه به لحاظ تضادهای رژیم در خلیج فارس، و نیز بعلت فقدان توانایی برای قبول آتش بس از طرف رژیم خمینی، تحول اوضاع بسبب تشدید تضادها، گسترش جنگ در جبهه ها و سرکوب بیشتر سیر میکند. این روند در شرایط بن بست جنگ، هیچ دستاوردی برای رژیم ندارد. تضامی محاسبات رژیم، بر استفاده از تضادهای منطقه ای و جهانی است. مانوری که رژیم در رابطه با اتحاد

شوروی انجام داد، یک نمونه از این اقدامات است. در این رابطه نیز باید گفت که رژیم قادر نخواهد بود به اهداف خود دست یابد. این درست است که از مواضع اتحاد شوروی، بعلت فقدان درایت سیاسی از طرف سیاست مداران شوروی، عموماً رژیم خمینی استفاده کرده است؛ اما آنچه در این رابطه مهم است اینست که تمام مانورهای اتحاد شوروی، برای گرفتن امتیازاتی از خود رژیم خمینی نیست. تضامی مانورهای اخیر اتحاد شوروی، برای کشاندن آمریکا به توافقیهای بزرگتر در سطح جهانی است. وقتی اتحاد شوروی، مصمم است که مسأله افغانستان را در جهت خروج نیروهایش حل کند، دیگر محاسبات سیاسی مهمی برای امتیاز دادن به رژیم خمینی نمی ماند. بهرحال علیرغم غلوهایی که رژیم در رابطه با مناسباتش با اتحاد شوروی کرد، واقعیت این بود که رژیم خمینی پیروزی تاکتیکی مهمی هم بدست نیاورد. به جز جناحهای صهیونیست امپریالیسم جهانی، که این مناسبات را برای تخفیف فشار بر رژیم خمینی، بسیار بزرگ میکنند، خود دارودسته ریگان بخوبی میداند که خمینی وارد هیچ مناسبات و دوستی استراتژیک با اتحاد شوروی نخواهد شد و نمیتواند بشود. در رابطه با اعراب و تضادهای درونی کشورهای عربی نیز وضع برای رژیم خمینی چندان مناسب نیست. نقش برگزاری کنفرانس اخیر سران عرب برای رژیم یک شکست بحساب می آید و قدرت مانور رژیم خمینی را محدود میکند. آنچه برای رژیم اساساً می ماند، به کار گرفتن و اتکا رژیم به نیروی بدنه خود و نیز حزب الله در سطح منطقه و جهان است. معنی این حرف ادامه جنگ، سرکوب و تروریزم بین المللی است. رژیم خمینی میکوشد تا با اتکا به نیروی حزب الله فشار بر مردم برای برگردن جبهه های جنگش را افزایش دهد. اگر رژیم بتواند در جبهه های جنوب نیرویی به میزان سال قبل متمرکز نماید، حمله به عراق از جنوب اموری محتوم است. حملات که بازمه شکست و فزاحت برای رژیم بهمراه دارد. افزایش ماجراجوییهای رژیم در منطقه، بسبب حزب الله، گسترش جنگ گسترش اختناق، یک روی سکه چشم انداز تحولات آتی است. روی دیگر گسترش مقاومت و مبارزه است. مبارزه ای که هر روز ابعاد گسترده تری می یابد و نهایتاً نیروی تعیین کننده در تحولات آتی خواهد بود. این البته بخودی خود میسر نخواهد شد مگر اینکه مقاومت انقلابی ایران به نیروی کافی برای دخالت موثر در امر انقلاب دست یابد. تضامی اقدامات و حرکات مقاومت انقلابی باید در خدمت تدارک نیروی کافی باشد. بدون حل این مسأله، بحران به نقطه حل قطعی و انقلابی آن نخواهد رسید، گرچه حل ضه انقلابی بحران نیز با وجود شرایط پیچیده کنونی، چشم انداز قابل تصویری ندارد.

## کنفرانس فوق العاده سران عرب

از صفحه ۲

عنوان اعمال جنایتکارانه این رژیم نامیده شده است. محکوم کرد و بکار خود پایان داد و بدین ترتیب رژیم منفور خمینی یکبار دیگر در جهان بعنوان رژیمی ضد بشری افشاء گردید.

## اخبار کوتاه

مراسم بزرگداشت هفتادمین سالروز انقلاب اکتبر با شکوه خاصی در کشور شوروی برگزار گردید. در مراسم اختتامیه این جشنها که يك هفته بطول انجامیده بود رفیق میخائیل گورباچف به همراه اعضای پلیت برو و رهبران ۵ کشور سوسیالیستی عضو پیمان ورشو از رژه عظیم نظامی در میدان سرخ مسکو و سر مزار لنین دیدن کردند.

◆◆◆

سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چین، کسه از روز یکشنبه ۲۵ اکتبر شروع شده بود با تصویب بعضی قوانین اصلاحی به کار خود پایان داد.

در اولین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست زائو زیانگ نخست وزیر چین سمت دبیر کلی حزب کمونیست انتخاب و همچنین این پلنوم اعضای کمیته دائمی پنج نفره دفتر سیاسی را به شرح زیر انتخاب کرد: زائو زیانگ ۶۹ ساله، لی پنگ ۵۹ ساله، کسا - شوشی ۶۲ ساله، هو کیلی ۵۸ ساله و باولین ۷۰ ساله. یاد آوری میشود که دفتر سیاسی حزب از ۱۷ عضو و اعضای علی النحل تشکیل میشود که تعدادشان قبلاً ۲۰ نفر بوده است. بر مبنای این گزارشها تنگ شیائو پینگ دبیر کل اسبق حزب کمونیست چین همچنان مقام ریاست کمیسیون نظامی مرکزی را حفظ کرده است.

◆◆◆

دولت افریقای جنوبی در پی فشارهای بین المللی و همچنین مبارزات مردم این کشور مجبور شد یکی از زندانیان سیاسی برجسته سباهیست بنام گسوان - انبکی را به همراه ۴ نفر دیگر از زندان آزاد نماید. یاد آوری می نمائیم که انبکی در حدود ۲۳ سال از عمر خود را در زندانهای رژیم بژاد پرست افریقای جنوبی گذرانده است.

◆◆◆

زین العابدین بن علی نخست وزیر تونس در روز شنبه ۷ نوامبر ۸۷ حبیب بورقیبه رهبر این کشور را که مدت ۲۱ سال ریاست جمهوری تونس را بر عهده داشت برکنار و خود را رئیس جمهور و فرمانده کل قوای تونس اعلام کرد. بن علی در يك محافیه رادیویی علت خلع رئیس جمهور ۸۴ ساله تونس را کهنوت و عجز جسمانی توصیف نمود. در این جریان که به گزارش خبرنگارهای کودتای سفید نامیده شده چند نفر از متحدان حبیب بورقیبه نیز تحت بازداشت خانگی قرار گرفته اند. کشورهای فرانسه، الجزایر، مصر، اسپانیا و چند کشور دیگر در این رابطه واکنش مساعد نشان داده اند.

◆◆◆

در تاریخ ۲۶ اکتبر به ابتکار کنفدراسیون سازمانهای صلح طلب اسپانیا برای دومین بار در طی يك هفته هزاران تن از اهالی مایرید با خواست برچیده شدن پایگاههای نظامی آمریکا در اسپانیا تظاهراتی گسترده برگزار کردند. پیمان دوستی و همکاری دفاعی میان دو کشور شش سال پیش بسته امضاء رسید و در چند ماه آینده اعتبار آن تمام میشود. تظاهرکنندگان با حمله به سیاستهای دولت اسپانیا خواستار عدم تجدید این قرار داد گردیدند.

بنا بر گزارش روزنامه لوفیکارو چاپ فرانسه شرکت لوشر یکی از بزرگترین شرکتهای سازنده اسلحه در فرانسه با زیر پا گذاشتن قانون تحریم فروش جنگ افزار به رژیم خمینی در فاصله بیست و سه سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ با آن رژیم معاملات تسلیحاتی انجام داده است. این گزارش که بصورت سندی محرمانه تهیه و انتشار یافته حاکی است کسه رئیس جمهور فرانسه و وزیر دفاع دولت سوسیالیست از انجام این معاملات آگاهی داشته اند. مقامات حزب سوسیالیست این گزارش را بکلی تکذیب کرده اند.

◆◆◆

به گزارش خبرنگارهای در تاریخ ۷ آبان ماه جاری ۱۶ نفر ایرانی که در مسیر کوبا و اتحاد جماهیر شوروی با يك هواپیمای خطوط هوایی شوروی (ایسر فلوت) پرواز می کردند در سر راه خود با استفاده از توقف کوتاه هواپیمای فرودگاه ابرلند جهت سوخت گیری، از مقامات این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی نمودند. این گروه شامل ۸ مرد و زن و ۸ کودک می باشد.

◆◆◆

بنا بر گزارش منتشر شده در نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان بلژمان، مرحله دوم طرح اعزام اجباری نیرو تحت عنوان "حماسه سازان عاشورا" در کارخانه زاساد با مقاومت کارگران روبرو گردیده و تا کنون هیچیک از کارکنان به اعزام اجباری کسه جهت شش نده اند. تعداد کارگرانی که از ابتدای سال جاری تا کنون از این کارخانه به زور به جبهه فرستاده شده اند به ۴ نفر هم نرسیده.

بنا بر گزارش همین نشریه عوامل رژیم در سازمان گسترش صنایع ملی کشور با زور و تهدید در طی سال گذشته بالغ بر سیزده هزار نفر از کارگران زحمتکش واحدهای تولیدی وابسته به این سازمان را بطور اجباری باز خرید کرده و عملاً اخراج نموده اند.

## اخبار مقاومت

به گزارش فرماندهی کل ارتش آزادیبخش ملی ایران، تعداد ۱۷۰ نفر از افرادی که در جریان عملیاتهای متعدد ارتش آزادیبخش ملی بر علیه پایگاههای رژیم به اسارت در آمده بودند، آزاد شدند. این گزارش تاکید میکند که این افسراد در انتخاب راه زندگی خود آزادی کامل دارند.

◆◆◆

بنا به گزارش رادیو مجاهد، رزمندگان قهرمان ارتش آزادیبخش ملی ایران، در زنجیره عملیات خود بر علیه پایگاهها و مواضع دشمن ضد بشری پهروزیهای درخشانی کسب کردند که در زیر سه آن اشاره میشود:

بنا به گزارش رادیو مجاهد، رزم آوران يك تیپ رزمی ارتش آزادیبخش، در روز دوشنبه ۲۰ مهرماه در منطقه سرزی ایلام طی تهاجمی قهرمانانه تعدادی از پایگاههای دشمن را تسخیر و استحکامات و مواضع آنها را منهدم کردند.

بر اساس همین گزارش در طی این عملیات ۷۱ تن از مزدوران خمینی به هلاکت رسیدند که در میان آنها چند ستوان تاجیک جانشین فرمانده گروهان زاندارمری که در تب تهاجم فرماندهی مرکز گروهان را به عهده داشت، و همچنین اجساد گروهان اکرم محمدی، گروهان امامعلی میرزایی و گروهان عبدالمحمد جعفری شناسایی شد. همچنین ۱۷ تن از مزدوران به اسارت رزمندگان در آمدند.

◆◆◆

## سپل، "نعمت الهی"

بدنبال جاری شدن سپل در بسیاری از نقاط کشور خسارات فراوان مالی و جانی به هموطنان زجر دیده ما وارد شد. رژیم مزدور خمینی که بارها بی کفایتی خود را در رسیدگی به هموطنان سیل زده ثابت کرده است بمنظور توجیه عدم رسیدگیهای لازم در مورد سیل زدگان با وقاحت هر چه بیشتر این سیل ها را نعمت الهی خوانده و بجای اختصاص هزینههای ماشین جنگی به این امر دست کدایی به سوی مردم زحمتکش و محروم کشورمان دراز کرده و از آنها پتوهای مستعمل و چراغ نفتی اورافی می خواهد. در رابطه با وقوع سیل در نقاط مختلف سرپرست مزدور هلال احمر خمینی وحید دستجردی در قسمتی از محافیه با رادیو رژیم در جواب خبرنگار رادیو مورد میزان خسارات وارده میگوید: "مناسفانه بارشکلی اخیر که نعمتی هم هست در بعضی استانهای ما که گرفتاریهای دیگر هم هست اونجا، ایسم اضافه بر مشکلات اونجا شده بخصوص استانهای غرب و شمال غرب ۱۰ استان اسلام باختران و همدان و کردستان مناسفانه هر ۴ استان ۰۰۰۰۰ سیل اومده و خسارات زیادی رو وارد کرده و مناسفانه علاوه بر خسارات مالی در استان باختران تا این لحظه تعداد خیلی زیاد مجروح شدند. ضمناً در استان لرستان هم سیل داشتیم، در استانهای شمالی همونطور که میدونید در مازندران و گلستان هم نسبتاً سیلی داشتیم ولی تلفات جانی خوشبختانه اونجا نداشته ولی خسارات مالی بسیار زیاد بوده بخصوص در استانهای محروم منطقه غرب ما".

◆◆◆

## سلسله عملیات درخشان ارتش آزادیبخش ملی

از صفحه ۶

بنا بر همین گزارشات، رزم آوران ارتش آزادیبخش ملی ایران در شامگاه اول آفر ماه با حمله دلاورانه به سنگرها و مواضع دشمن محتشر در منطقه عین خوش تعداد ۳۰۰ مزدور را کشته و زخمی و ۹۲ تن دیگر را به اسارت خود در آورند. در این عملیات نیز ۹ تانک منهدم گردید. همچنین در این عملیات ۵ رزمنده دلاور خلق به شهادت رسیدند.



## مصاحبه رفیق مهدی سامع با نشریه ابلاغ

(نشریه کانون اندیشه‌های شریعتی)

سوال: بعنوان متولی انقلابی ترین نیروی چپ مارکسیستی در مقطع فعلی، علل و ریشه‌های انفعال و بن بست های اکثریت نیروهای مارکسیست را در برخورد جدی با رژیم خمینی در رابطه با چه عواملی ارزیابی می‌نمائید؟

جواب: من علت اصلی را بحران دامنگیر این نیروها میدانم، اما علت این بحران امریست در حوزه شرایط ذهنی. یعنی از شرایط عینی جامعه ما، به هیچ وجه نمی‌شود این امر را استخراج نمود که نیروهای مدعی مارکسیسم باید در بحران بسر ببرند. وقتی هم از شرایط ذهنی صحبت می‌کنیم، عنصر اصلی آن تئوری است. زیرا "بدون یک تئوری انقلابی عمل انقلابی غیر ممکن است". از آنجا که تئوریهای این نیروها، قادر به تقییر شرایط "موجود" نیست، از آنجا که تئوریهای این نیروها با واقعیت "شاهنگ" نیست، و از آنجا که در تئوریهای این نیروها عناصر واقعی از ذهنی گری وجود دارد، این نیروها در پوسته‌ایکه بسوسله این تئوریها، به گورد خود کشیده‌اند، محبوس میشوند. در چنین حالتی برای توجیه خود مجبور به "تفسیر واقعیات" و "تغییر" آن هستند البته این تحلیل در مورد آن دسته از نیروهای اپورتونیست صادق است که وابسته به قطب های جهانی نیستند. در مورد گروههای اخیر، مساله برمیگردد به نوع "وظیفه" ای که اینگونه نیروها در رابطه با "قطب" مورد نظر برای خود قائل هستند.

سوال: چه چشم اندازی در رابطه با گسترش مقاومت در سال جاری پیش روست؟ آیا با توجه به عملیات بزرگ نیروهای مقاومت در ماههای اخیر، میتوان سال ۶۶ را سالی که در طول آن پیروزیهای استراتژیک نصیب مقاومت خواهد شد، دانست؟

جواب: در اینکه عملیات نیروهای مجاهدین خلق گسترش قابل توجهی پیدا کرده است، جای هیچگونه شکی نیست به گوری چشم دشمنان مقاومت، این مبارزه روز بروز هم گسترش بیشتر پیدا خواهد کرد، اما اینکه سال ۶۶ را سال "پیروزیهای استراتژیک" بدانیم، بستگی به این دارد که "پیروزی استراتژیک" را چه بدانیم؟ اگر پیروزی استراتژیک، به معنی سرنگونی رژیم خمینی باشد، من شخصا قادر به پیش بینی کردن چنین امری نیستم و اصولا فکر نمیکنم که چنین امری هم امکان پذیر نباشد. منظورم پیش بینی دقیق کردن است. من در مرحله کنونی چیزی جز سرنگونی رژیم خمینی را پیروزی استراتژیک نمیدانم. البته "پاره شدن تور اختناق" و یا "آغاز قنایم نوده‌ای" هم بنظر من مشابه "سرنگونی" است. اما من امیدوارم و آرزو میکنم که سال ۶۶، سال پیروزی مقاومت انقلابی مردم ایران باشد.

سوال: سیاست آمریکا، نسبت به مقاومت عادلانه مردم میهن ما را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا در ماههای اخیر در این سیاست تغییری حاصل شده است؟

جواب: بطور کلی سیاست آمریکا، براساس دشمنی با مقاومت عادلانه مردم ایران قرار داشته است. بخصوص دارو دسته ریگان، این سیاست را بنحوی پیگیر ادامه داده و می‌دهند. باید توجه کرد که ریگان نماینده یک گرایش بخصوصی در هیئت حاکمه امریکاست (من مقاله جالبی در رابطه با حکومت ریگان در نشریه آغاری نو، شماره ۲ خوانده‌ام که مطالعه آنرا بسیار سودمند میدانم). دولت ریگان حاضر است برای مبارزه با صلح، ترقی، انقلاب و سوسیالیسم، دست بهر اقدامی بزند. در این رابطه بیشترین هموشی ها را با ارتجاع خمینی داشته است. طی چند سال گذشته، حکومت ریگان چندین بار علنا علیه مقاومت انقلابی موضع گیری نمود. دستگاه ریگان با تمایل خودش، حاضر به تن دادن به اراده مردم ایران نیست. اما بغلت مجموعه شرایطی که جامعه آمریکا در حال حاضر با آن روبرو است، و نیز بغلت وجود بعضی گرایشات به اصطلاح "لیبرالی" در کنگره و سنای آمریکا، در مواقعی حکومت آمریکا، از شدت و حدت خصومت خود با مقاومت انقلابی کاسته است. البته در اینجا خود عامل مقاومت را هم باید بعنوان پای اصلی ماجرا وارد کرد. تا کنون سیاست مقاومت ممی بر "خشکی سازی" خصومت دولت آمریکا بوده است. اینکه این سیاست درست، چقدر پیش رفته و نقاط ضعف و قوت آن چه بوده، امری است که به تحلیل جداگانه نیاز دارد. اما بهر حال یک مقاومت در حال گسترش در کشور مثل ایران با توجه به هوشیاری سیاسی رهبری این مقاومت امری نیست که قدرتهای بزرگ بتوانند آنرا نادیده گرفته و یا آنرا دور بزنند. بهر حال من تغییرات اساسی در سیاست دولت آمریکا نسبت به مقاومت انقلابی نمی‌بینم و بعید میدانم که دولت آمریکا (در شکل کنونی اش)، تحت هیچ شرایطی به اراده این مقاومت تن در دهد.

سوال: در میان سازمانهای عضو شما، که همگی معتقد به مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی می‌باشند، تنها سازمان مجاهدین است که گامهای عملی و البته در سطحی گسترده و کیفی در این رابطه بر میدارد. چه عواملی بر سر راه سایر سازمانها (از جمله سازمان شما) وجود دارد که نمیتوانند به عملیات مسلحانه علیه رژیم دست یازند و یا ابعاد آنرا گسترش دهند؟

جواب: من نمیدانم منظور شما از "سطح گسترده و کیفی" چیست؟ اگر منظورتان گسترش آتش در نوار مرزی است باید قبول کنید که این امر بستگی به کمیت نیرو، مقدار امکانات، و تسهیلات لازم برای حرکت در نوار مرزی دارد. من در مورد سازمانهای دیگر عضو شما نمیتوانم حرفی بزنم. اما در مورد خودمان باید به سائل زیر توجه کنید:

۱- ما در شرایطی به اوج، جریان پیشساز فدایی پرداختیم که سه سال از آغاز مبارزه مسلحانه در ابعاد سراسری می‌گذشت. ما از صفر شروع کردیم کسانیکه دست اندر کار مسائل تشکیلاتی هستند، میدانند که ساختن یک تشکیلات، آهیم در شرایطی که نیروهای جنبش کمونیستی در بحران عمیقی بسر می‌برند، کار آسانی نیست. بنا براین مقایسه ما با سازمانی مثل سازمان مجاهدین خلق که از ابتدای

قیام، با برنامه مشخص پیش رفته است، کسار منمغانه‌ای نیست.

۲- در رابطه با عملیات نظامی همچنین باید به مساله امکانات و تسهیلات توجه کرد. شما باید توجه کنید که پایگاههای نیروهای که علیه رژیم خمینی مبارزه مسلحانه می‌کنند، در خاک عراق قرار دارد و برای حرکت در خاک عراق، باید از حدود معینی رابطه با دولت عراق برخوردار بود و ما تا اوائل سال ۶۵ (یعنی حدودا سه سال پس از آغاز فعالیت ما در شکل کنونی) چنین رابطه‌ای را نداشتیم و اکنون نیز این رابطه در حدی که نیازهای ارتباطی ماست، قرار ندارد. در مورد اهمیت امکانات هم مثال زیر، بطور تقریبی میتواند روشنگر باشد. اگر امکانات ما دو برابر امکاناتی که در شرایط کنونی داریم بشود، حرکت های ما، چهار برابر خواهد شد. در حالیکه اگر امکانات ما نصف شود، حرکت های ما نصف نخواهد شد، بلکه کلاً متوقف خواهد شد.

۳- باید بدین نکته توجه کنید که، در شرایط اختناق کامل ما مجبور به بازسازی تشکیلات بودیم. علاوه تمام گروههای اپورتونیست و سکتاریست علیه ما سمپاشی می‌کردند. با توجه به اینکه توانائیهای ما هم محدود است، مع الوصف، تحت همین شرایط، حرکات نظامی انجام داده‌ایم. در همین دو ماه گذشته رفقای ما در کردستان دو حرکت نظامی در منطقه پیرانشهر انجام داده‌اند. من معتقدم که اگر کسی منمغانه و بدون جبهه‌گیری سیاسی، قضاوت کند، حتما به این نتیجه میرسد که به نسبت مشکلاتی که ما با آن مواجه بودیم، درین نیروهای مدعی مارکسیسم-لنینیسم، ما پس از کومله در ردیف اول قرار داریم. من این مساله را در سال گذشته هم در کنفرانس بخش کردستان سازمان اعلام کردم. از آنجا که ما مشکل و مساله خطایی نداریم، یعنی عملا به مبارزه مسلحانه علیه رژیم معتقد هستیم، اگر مشکلات تکنیکی ما حل شود، عملیات نظامی ما، گسترش چشم گیری خواهد داشت.

جواب: آیا شما برنامه و یا طرح مشخصی در دست ندارد تا افراد و سازمانهایی را که معتقد به مبارزه مسلحانه بوده و از سیاستهای شما حمایت مینمایند در چهارچوب آن، سازمان داده و انرژی آنان را در مسیر سرنگونی رژیم خمینی فعال سازد.

جواب: طبیعا من نمیتوانم از جانب شما نظر دهم. اما بعنوان نماینده یکی از سازمانهای عضو شما، میتوانم بگویم که ما از گسترش منطقی شما حمایت می‌کنیم و در صورتی که موردی مطرح شود که آنرا بسود گسترش منطقی بدانیم، حتما به این مورد رای مثبت میدهم. از نظر حقوقی، تمامی افراد و جریانانی که اساسنامه و برنامه و محوسبات شما را بپذیرند و با بدان التزام دهند و جزو نیروهای طرفدار و یا وابسته و یا همکار رژیم های شاه و خمینی نباشند، میتوانند عضو شما باشند، ولی مواردی هست که باید بدان دقت کرد. مثلا اکثر تعداد شخصیت های عضو شما آنقدر زیاد شود که بتوانند با رای منفی خود، رای مثبت مجموعه

## در باره مهاجران

بروتول برشت

چه نارواست که ما را مهاجران نامیده‌اند . زیرا که این به معنی ترک دیار گفتگان است . اما ما به طیب خاطر جلای وطن نکرده‌ایم تا وطن - دیگر اختیار کنیم .

نیز به سزیمینی نیامده‌ایم که همواره ماندگار باشیم . بلکه ما گریختیم - ما متواریانیم - خانه سوختگان . و این کشور که ما را بخود راه داد ، وطن ما نیست . - تبعید گاه ماست .

نگران و هر چه نزدیکتر به مرزهای میهن نشسته‌ایم ، در انتظار روز بازگشت و گوش برنگ .

هر تغییر کوچک در آنسوی مرز را زیر نظر داریم . بی آنکه خبری را فراموش کنیم یا از خواسته‌های - بگذریم .

با از آنچه رخ داده چیزیکی بیخشانیم هرگز سکوت ساعتها فریمان نمی‌دهد ، زیرا که - ضجه‌ها از زندانهای دوردست می‌شنویم .

ما خود نیز جز ناله‌هایی نیستیم که اسرار نیکوکاریها - را به این سوی مرز آورده‌ایم .

هر يك از ما که با پای افزاری در میان مردم ظاهر - می‌شود ،

ننگی را آشکار میکند که امروز وطن ما را آلوده - کرده است .

اما هیچ يك از ما اینجا نخواهد ماند .

آخرین سخن هنوز ناکفته مانده است .

## پایگاه شیوه میر مورد حمله پیشمرگان فدایی قرار گرفت

( چهارمین عملیات در منطقه پیرانشهر )

در تاریخ ۶۶/۷/۷ يك دسته از پیشمرگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) بعد از شناسایی پایگاه مزدوران خمینی واقع در روستای شیوه در محور جاده سردشت - پیرانشهر طبق طرح تعیین شده در ساعت ۶/۴۰ بعد از ظهر پایگاه مزبور را از چند طرف مورد حمله موشکهای آر - بی - جی و دیگر سلاحها قرار دادند . در این عملیات تلفات و خساراتی به دشمن وارد آمد که از میزان آن اطلاع دقیقی در دست نیست . پیشمرگان هندی سالم به مناطق تعیین شده بازگشتند .

## اخاذی به روش آخوندی

از صفحه ۴

قرار می‌گیرد . امروز که رژیم به روشنی از بدنه خود ماهی می‌گذارد فردا مجبور است از تمامی هستی منحوش کمک بگیرد و در آنجاست که قیام عمومی خلق حلقه طناب دار را بر سر هر تبر چراغ سوزی بر گلوی فریه آخوندهای مزور و فرزندان دایناسورهای اغصار کهن تنگ تر کرده و چنان فشار می‌دهد که بغش و کینه‌ی فروخورده مردم ستمدیده ما بیرون می‌ریزد و طومار ارتجاع را در میهنمان در هم می‌نوردد .

## مصاحبه رفیق مهدی سامع از صفحه

سازمانها و تشکل‌های عضو شورا را خنثی کنند ، این گسترش منطقی نیست . و یا اگر شورا کسانی را که نه فقط شناخت مشخصی در باره آنان و عملکردها - بشان ندارد ، بلکه آنان اصولا هیچ جریان فکری ، سیاسی اجتماعی را در جامعه نمایندگی نمیکنند را بپذیرد . این گسترش باز هم منطقی نیست .

بنظر من تمامی گرایشات و جریانات درون جنبش خلق که مبارزه مسلحانه انقلابی را به عنوان شکل اصلی مبارزه می‌پذیرند و رژیم خمینی را دشمن اصلی مردم ایران دانسته و به برنامه ، اساسنامه و مصوبات شورا ، التزام میدهند و جز نیروهای وابسته و یا همکار رژیم‌های شاه و خمینی هم نبوده باشند ، میتوانند عضو شورا باشند .

سوال: تشکیل ارتش آزادیبخش ملی را چگونه ارزیابی میکنید؟

جواب: بنظر من تشکیل این ارتش يك اقدام مهم در جهت پیشرفت و تکامل نیروهای آزادیبخش مجاهد خلق است . در واقع رشد کمی نیروهای مجاهدین - بحدی رسیده بود که سازمان دهی بر بنیاد جدیدی را ضروری ساخته بود . البته در این زمینه يك سلسله مسائل استراتژیک وجود دارد که احتیاج به بحث دارد و من فقط آنرا طرح میکنم . یکی از این مسائل اینست که تشکیل يك ارتش قبل از سرنگونی در دستگاه "قیام" شهری، يك امر جدید است که با تجربیات انقلابات گذشته ، همخوانی ندارد . دوم اینکه ، تشکیل ارتش قبل از سرنگونی ، باید بر پایه استقرار این ارتش در کشور و " زمین " صورت گیرد . یعنی در دستگاه " محاصره شهرها از طریق روستا " هنگامی اقدام به تاسیس ارتش می‌کنند که نیروی آزادیبخش ، حاکمیت بخشی از سرزمین خود را بعهده دارد بنا بر این نکته جدیدی که در این

رابطه پیش آمده و در صورت موفقیت ، يك تجربه جدید است . اینست که جریانی که به قیام شهری معتقد است ، اقدام به تشکیل ارتش نموده است ، در حالیکه این ارتش در " زمین " مشخصی نیست . اینرا هم بگویم که اگر یا تحلیل مشخص ، ثابت شود که جنگ در نوار مرزی ، نقش تعیین کننده در این مرحله و در تدارک قیام دارد ، باید نسبت به تقدم تاکتیکی اشکال جنگ انقلابی در ایران تحلیل جدید ارائه داد . من فکر میکنم در پاسخ به سائسل فوق ، باید به نقش جنگ و نقش خاك عراق در حل مسائلی از استراتژی انقلابی توجه کرد . نکته دیگر که قابل توجه است اینست که این ارتش در نقاطی که ثقل نیروهای رژیم ضعیف است درگیر نمی‌باشد ، و برعکس منطقه فعلی درگیری اش ، نقاطی است که بیشترین تمرکز نظامی در آن نقاط وجود دارد . اینها نکات مهمی است که در جنگ انقلابی در میهن ما يك تجربیات جدید است و این مسائل نشان می‌دهد که مجاهدین خلق با جانفشانی و پیگیری خود ، با چه مسائل مهمی درگیر می‌باشند که باید آنها را حل کنند . البته جنگ انقلابی در هر کشوری ، ویژه‌گیهایی دارد که با خلاقیت نیروهای انقلابی درگیر این جنگ ، این ویژه‌گیها کشف و به صورت قانونمندی بگزار می‌رود . اصلی ترین هدف از تشکیل ارتش آزادیبخش ملی ، تسریع در پروسه سرنگونی رژیم خمینی بوده است . بنا بر این باید دید که حرکت این ارتش در مسیر تکاملش چقدر در تغییر تعادل قوا پیوسته تدارک قیام و انقلاب موثر است . از آنجا که تئوری انقلابی برای کسب قدرت سیاسی ، يك علم است مسلما نیروهای انقلابی قادر به کشف کامل این تئوری خواهند بود . البته کشف حقیقت ، هیچگاه ساده و بدون رنج نبوده ، بلکه بقول مارکس يك مسیر پیچیده و دشوار است که تنها انقلابیون راستین به قائل آن دست خواهند یافت .

شهرپور ماه

## سلسله عملیات درخشان

## ارتش آزادیبخش ملی ایران

به گزارش ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی ایران ، رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران به پیروزیهای درخشانی در سه رشته عملیات بر علیه مواضع دشمن ضد بشری دست یافتند که طبق آخرین گزارش ها که تا این لحظه دریافت کرده‌ایم برقرار زیر می‌باشد:

عملیات مهران :

در ساعت ۱/۲۰ دقیقه بامداد اول آذرماه يك تیپ از رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران در منطقه‌ای بوسعت ۶۰ کیلومتر مربع در حومه شهر مهران با بورش سنگین و دلورانه خود به گسردان ۱۷۷ تیپ ۲۷ رزمی شیراز به انهدام کامل این گردان و همچنین با وارد آوردن ضربات سختی به لشکر ۱۹۱ از همین تیپ و گردان موسوم به قاشم از سپاه پاسداران جنگ خمینی توانستند مجموعا ۱۸۰ تن کشته ، ۱۷۰ تن زخمی و ۶۲ تن اسیر و خساراتی از جمله انهدام کامل ۲۵۰ سنگر اجتماعی

نابود کردن ۱۲ زاغه مهمات را به دشمن وارد آورند در این عملیات که هفت ساعت و نیم بطول انجامید ، مقادیر زیادی سلاح و مهمات به تعیینت گرفته شد . در میان اسرا يك ستوان و ۷ گروهان دیده میشود . بر اساس همین گزارش ۹ تن از رزمندگان دلیر خلق در این عملیات به شهادت رسیدند .

عملیات پیرانشهر :

در سحرگاه یکشنبه اول آذرماه رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران با بورش به مواضع دشمن ضد خلقی در منطقه پیرانشهر ، با در اختیار گرفتن منطقه وسیعی ، بمدت ۲۶ ساعت با دشمن به نبرد پرداختند . در این عملیات قهرمانانه لشکر ۶۴ ارومیه ستمم شده و ۲۵ پایگاه دشمن مورد آتشباری رزمندگان قرار گرفته است . در این عملیات کشته شد ۱۷۶ تن مزدور کشته و ۱۲۷۰ تن زخمی و ۳۱۰ تن به اسارت رزمندگان در آمدند . در میان این اسرا ۲۰ اسیر و فرجه دار وجود دارند . این گزارش حاکی است که ۱۸ رزمنده قهرمان در این عملیات به شهادت رسیده‌اند .

عملیات خوزستان:

در صفحه ۳

## پان اسلامیسیم و فراماسونری

ترجمه از: ارمینا  
شماره سری ۱۱۵ و ۱۱۶  
سال انتشار ۱۹۸۵



توضیح نمرد خلق:

مقاله فوق از مجله "ارمینا" ترجمه شده و حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون "پان اسلامیسیم" است و از آنجا که بخصوص پس از روی کار آمدن حکومت خمینی، "پان اسلامیسیم" یکی از گرایشهای مهم و رو به رشد در منطقه می باشد. دانستن پروسه شکل گیری و جهت گیریهای آن برای فعالین جنبش انقلابی ضروریست. بدین لحاظ نبرد خلق اقدام به چاپ این مقاله و مقالات مشابه می نماید. نکته قابل تذکر اینک این مقاله در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است و در این مقاله از عمر تلمسانی بعنوان رئیس اخوان المسلمین مصر یاد شده است. وی در مه ۱۹۸۶ درگذشت. از سوابق او رهبری سوئد نقد نافرجام به جمال عبدالناصر فقید بود. بعد از مرگ عمر تلمسانی شیخ محمد حامد ابوالنصر بعنوان رئیس اخوان المسلمین مصر اعلام شد.

"نبرد خلق"

\*\*\*

پان اسلامیسیم بعد از سقوط خلیفه ابوسعید بوسیدیه جولاکوخان مغول در سال ۱۲۸۵، بمشابه یک پدیده جدید ایدئولوژیک بوجود آمد که قیسل از آن بسابقه بود.

ترکیهای صحرانشین خود را در مقابل امپراطوری بزرگی یافتند که از هند تا اقیانوس اطلس از یک طرف و از مرکز اروپا و رود الگا تا صحرای افریقا از طرف دیگر سر کشیده بود. در حکومت فتووالسی عثمانی رهبران مذهبی (املاها) قدرت بسیار زیاد داشتند و با استفاده از این قدرت و بنام مذهب به سرکوب مردم و ظلم و ستم به آنان می پرداختند.

در قرن هجدهم امپراطوری عثمانی به علت فساد و زورگویی بیش از حد، با شورش هایی مواجه شد. همزمان با این جریانها که در دستگاه امپراطوری عثمانی اتفاق افتاد، از کشورهای اروپایی و تا حدودی افریقای، از مالکان و فئودالها سلب قدرت گردید.

امپریالیستها از این فرصت استفاده کرده و چون شرایط آماده انقلابی ملی بود، وسایل سقوط امپراطوری عثمانی را سریع تر کردند و کشورهای چون یونان، رومانی، بلغارستان، صربستان آزاد شدند. کشورهای چون لبنان، یمن، جنوب غربی عربستان سعودی (آشور)، حجاز و شبه جزیره عربستان نیز استقلال یافتند. کشورهای چگون الجزایر، تونس، مصر، سودان، لیبی تا سال ۱۹۱۱ همه تحت سلطه سیاست های امپریالیستی قرار گرفتند. و کشورهای چون بوسنیا و هزارگوینا به اتریش و مجارستان پیوسته شد. وجود نیروهای خارجی در سرنوشت امپراطوری عثمانی نقش موثری داشت و دلیل اصلی سرنوشت عثمانیها، رشد

بسابقه فساد، زورگویی، رشوه و از بین بردن حقوق حقه مردم بود، مسائلی که در گذشته بسابقه بود. در امپراطوری عثمانی رشوه، ظلم و ستم به اقلیت های ملی و مذهبی حدی نداشت. برای جلوگیری از بین رفتن دولت عثمانی احتیاج به یک سری رفرمهای در داخل دولت بود و این رفرمها قانون اساسی نامیده می شد، که عبارت بود از: "خانی شریف" "خانی همایون"، "مدهتیان"، "حمیدیه" و "ترکهای جوان"، که تمامی این قوانین فقط تساهل بر روی کاغذ آمدن پیش برده شد و هیچگاه مورد عمل قرار نگرفت. و حتی بعد از گذراندن این قوانین ظلم و ستم، رشوه خواری و از بین بردن حقوق ملت به درجه ای رسید که در گذشته کاملاً بی نظیر بود.

امپراطوری عثمانی، برای پیش گیری از سقوط خود و همچنین در امان بودن از حمله های دولت های امپریالیستی مجبور شد به سیاست نازهای رو گردان شود، که همان استفاده از مذهب خصوصاً مذهب اسلام بود که اکثر ملت های زیر سلطه عثمانی (بجز ترکها) را مثل لبنانها، کردها، عرب ها شامل می شد. سلطان حمید دوم، اولین سلطانی بود که استفاده از پان اسلامیسیم را در قانون کشوری کلنجار داد و آنرا بعنوان یک سیستم دولتی بکار گرفت. در این مرحله ترکهای جوان وظیفه داشتند که پان اسلامیسیم تحت سلطه امپراطوری عثمانی را به فلسفه پان ترکسیم تبدیل کنند. از میان گذاران پان اسلامیسیم در میان ملت های مسلمان جهان اولین افغانی است، با وجود شایعات و عقاید مختلفی که در باره ملیت و بیوگرافی او وجود دارد این جنبش آمده است که جمال الدین در دم اسد آباد از توابع همدان در ایران متولد شد و سپس به افغانستان رفت و در آنجا شروع به فعالیت و تدریس عقاید مذهبی خود کرد و چون مدت زمانی در افغانستان بسر برده بود به افغانی ملقب گردید. جمال الدین بعد از افغانستان به مصر رفت و به عضویت فراماسونری انگلیس درآمد. فعالیت های مذهبی جمال الدین در مصر بسیار موفقیت آمیز بود و عده کثیری به گروید او جمع شدند. همزمان با پیشرفت های جمال الدین دولت مصر که از فعالیت های او نگران شده بود او را از مصر اخراج کرد. بعد از خروج از مصر، جمال الدین به هند و سپس به پاریس و انگلستان و بعد از آن به استامبول رفت و در پایتخت ترکیه به حضور سلطان حمید راه یافت و یکی از مشاورین سلطان گردید. جمال الدین نقش بسیار موثری در کارسره مذهب اسلام بعنوان یک وسیله سیاسی توسط سلطان حمید، داشت تا اینکه سلطان از رابطه جمال الدین با نمایندگان کشورهای بیگانه مشکوک گردید و او را از ترکیه اخراج کرد. از مرگ جمال الدین اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی عده ای معتقدند که او از بیماری سرطان درگذشت و عده ای هم معتقدند که او در اثر سمومیت غذایی مرده است.

فلسفه استفاده از پان اسلامیسیم یکی از شاخه های سیستم فراماسونری بود، بعد از به عضویت درآمدن

جمال الدین در سال ۱۹۲۹ به سازمان فراماسون عقاید او که همان پان اسلامیسیم بود قدرت تازه ای به خود گرفت. در سال ۱۹۶۳ تعداد ۵۱ فقره مدارک از کتابخانه خصوصی جمال الدین بدست مرتجعین مسلمان افتاد که با نشر آنها به مقام روحانی او خدشه وارد آورد. این اسناد کاملاً نشان دهنده ارتباط جمال الدین با فرقه فراماسونری انگلستان بود. مطلب جالب توجه این بود که این اسناد و مدارک نسبت به اسناد و مدارکی که بعدها در مصر در آرشیو اخوان المسلمین و همچنین مجمع فراماسونرها در انگلستان بدست آمد بسیار ناچیز بود. نشر این مدارک یکی از مهمترین دلایل ارتباط و تاثیر فلسفه فراماسونری بر ایدئولوژی پان اسلامیسیم و منظور شخصی طرز فکر و ایدئولوژی جمال الدین اسد آبادی را نشان میداد. در میان ۵۱ مدارک و اسناد بدست آمده تعداد باره دعوتنامه از طرف مجمع فراماسونرها برای مصر که از جمال الدین دعوت شده بود و نیز پرشنامه جمال الدین افغانی که برای عضو شدن در فرقه فراماسونرها بود، بدست آمد.

در میان کتابهایی که از کتابخانه شخصی وی در مصر بدست آمد، کتاب قانون اساسی فراماسونری بود. از دیگر اسناد بدست آمده مدارکی شامل اسم و آدرس های فراماسونرها و یهودیان مشهور بود. این لیست همچنان شامل فراماسونهای عرب مانند علی کتاوی (تروتمند یهودی مصری) و سلیم فارس اردبیل روزنامه معروف الجواب) و خلیل قائم اردبیل روزنامه الصعیر که در پاریس منتشر میشد) بود. از میان اوراق خصوصی جمال الدین رسیدهای بانکی مبلغ ۲۵ تا ۳۰ فرانک بود که از طرف مجمع فراماسونرها به او داده میشد بدست آمد. حتی با در دست داشتن تمام مدارک و اسناد نام برده شده هنوز درجه رابطه او با فرقه فراماسونری مشخص نیست ولی تمامی این مدارک دلایلی کافی بر وجود رابطه های پان اسلامیسیم و فرقه فراماسونری می باشد. بعد از مرگ جمال الدین شاگردان او در مصر که او را مردی مقدس می شناختند به گسترش پان اسلامیسیم او پرداختند. شیخ محمد عنیدو که عضو فراماسونهای مصر بود، واعظ اصلی پان اسلامی شد. او در مورد روابط خود با فراماسونرها، حتی با نزدیکترین شاگرد خود، شیخ محمد رشید ریسکا هم صحبت نمی کرد. نامبرده با اعتقاد کامل درسا و وعظ های اسنادش را دنبال کرد، و در آنزمان او به شهرت فراوانی رسید.

در زمان جنگ جهانی اول پان ترکسیم ها ترکهای جوان از پان اسلامیسیم استفاده کردند تا کشورهای مسلمان تحت استعمار انگلیس و فرانسه را بطرف خود بکشند. جهاد اعلام شد و نتیجه آن شورش ها و زدو خورد خصوصاً در میان مسلمانان هندی بود. بعد از جنگ جهانی اول که مصطفی کمال اعلام برکناری خلیفه را در سال ۱۲۹۴ کرد حرکت پان اسلامی بیشتر شد. انگلیس، ایتالیا و فرانسه دنیا را که اکثراً از مسلمانان تشکیل میشدند، تحت اشغال خود در آوردند. در چنین موقعیتی پان اسلامیسیم محرک قوی برای مبارزه ملی بود. برای مثال (شورش جبل ال دروز - عمار مختار و شورشهای مصر و مراکش) ولی امپریالیسم تشخیص داد که اثر پان اسلامیسیم

**"کار و کاسبی در پیادهرو حرام و مغایر قانون شرع اسلام است"**

روز ۶۶/۶/۲۸ شهردار مزدور سهاپاد طوسی اطلاعیه‌ای اعلام نمود: " هرگونه دخل و تصرف و کار و کاسبی در پیادهرو حرام و مغایر قانون شرع اسلام می‌باشد. لذا به اطلاع آن دسته از افرادی که وسایل اضافی را جلوی مغازه گذاشته و چرخ دستی‌ها را به درخت‌های خیابان می‌بندند می‌رساند در اسرع وقت اقدام به برچیدن آنها نمایند در غیر اینصورت شهردار کلمه وسایل اضافی و چرخ دستیهای غیر مجاز را از معابر بهنگام شب، عمومی جمع‌آوری و متخلفین را به دادگاههای عمومی معرفی خواهد کرد."

در شرایطی که بیعت فقر و بیکاری، مردم برای بدست آوردن لقمه‌ای نان به هر دری می‌زنند و بیاده‌روها، سرکوچه و چهارراه‌ها مملو از کاربهای دستی و انواع بساط دستفروشیست که با وجود بورش مداوم مزدوران رژیم، بازهم گسترش می‌یابد، رژیم برای کنترل بازارها و سرکشیه کردن مردم، راهی جز غصب اموال و حبس و جریمه نقدی و برچیدن بساط دستفروشان را ندارد.

مزدوران رژیم بارها بطور وحشیانه به دستفروشان در شهرهای سندج و سقز و سوکان و سهاپاد حمله کرده و آنها را مورد شرب و شتم قرار داده‌اند و اموالشان را نیز غصب نموده‌اند.

کارگران نیکار کردستان و زحمتکشان بی چیز که به این مشاغل کاذب روی آورده‌اند می‌پرستند: " اگر این کار و کاسبی حرام است کار حلال بدهید، چیز این از چه راهی نان خود را دربیآوریم"، " چرا غارت و چپاول مردم و نزدیکی امثال آقای شهردار حرام و مغایر قانون اسلام نیست اما کاسبی ما که توام با تحمل حرارت سوزان آفتاب تابستان و سرمای زمستان است حرام و مغایر قانون اسلام است"، " قانونی که شکم زن و بچه‌هايمان را سیر نکند قانون نیست"

**خمینی: " ما امروز گرفتار هستیم، چه گرفتاریهایی"**

از صفحه ۱۱

میگردد. " باند‌های درونی رژیم خود را آماده نمود در این عرصه کرده‌اند، رفسنجانی و دارودسته‌هایش مجلس یکدست می‌خواهند، محتشمی که از اسرار مهم باند رفسنجانی است در مقام وزیر کشور، اغلب استانداران را تعویض کرده و سپه‌های باند خودشان را بجای آنان گمارده‌است او می‌گوید: " هر کسی که مخالف دولت باشد، ما بدون رودرپاستی کنارش می‌گذاریم " (رسالت ۳۱ خرداد ۶۶) مشکمی هم که از این دارودسته است در سخنرانی که در این دیدار قبل از خمینی ایراد کرد گفت: " مقامات اسلامی باید به اهلس واگذار شود."

جناح مخالف دولت که دیدگاه‌هایشان در روزنامه رسالت انعکاس می‌یابد جرات گفتن مجلس یکدست بنفع خودشان را ندارد. آنها خواهان مجلسی مرکب

از طبقه‌های گوناگون اما در راستای خط "امام" هستند.

در چنین شرایطی است که خمینی پلید خطاب به مزدورانش می‌گوید: " شما آقایون توجه دارید و سن نباید عرض کنم که ما امروز گرفتار هستیم چه گرفتاریهایی تمام تعلیمات بر ضد ماست، تمام دنیا بر ضد اسلام قیام کرده‌اند ما باید برای خاطر خدا برای بدست آوردن حسنه با هم باشیم، تمام قشرهای ملت با هم باشند، تمام علمای اعلام و تمام ائمه جمعه با هم باشند، پشتیبان هم باشند، پشتیبان دولت باشند، پشتیبان مجلس باشند، پشتیبان قسوه قضایی باشند، پشتیبان قوه اجرایی باشند." خمینی باز هم از مزدورانش خواست که با هم متحد باشند. اما مگر گرگهای گرسنه میتوانند همدیگر را ندرند.

**مطبوعات خارجی**

از صفحه ۷

بر مردم، امکان به خطر انداختن منافع او را داشته باشد. در نتیجه فراماسیونر مصری بنام حسن البنا در سال ۱۹۲۸ سازمان ارتجاعی اخوان المسلمین را بوجود آورد. سازمانی که امروزه يك فراماسیونر قوی تر جهان اسلامی است. در دهه اخیر - بر پای اسلامیه به موفقیت‌های بی سابقه‌ای رسیده است. جاهیر اسلامی در ایران، پاکستان و سودان ظهور یافت. در دیگر کشورها از چین، هند، سومالی در مسیر پیوستن به جاهیر اسلامی می‌باشند. سازمان ارتجاعی اخوان المسلمین بشدت افزایش یافت و در حال حاضر شعبه‌هایی در کشورهای عربی و مسلمان و بطور کلی در سراسر دنیا دایر کرده‌است مرکز اصلی اخوان المسلمین در آلمان غربی تأسیس گردید. تمامی اعضای اصلی کمیته مرکزی وعضوهای دائم آن فراماسیون و نوکرهای دست به سینعی امیربنا هستند و صهیونیستها می‌باشند. این سازمانها هم از لحاظ مالی و هم از لحاظ روحی از طرف کشورهای امیربالیستی و دولتهای ارتجاعی اسلامی حمایت میشوند. بان اسلامیه ارتجاعی در حال توسعه دائم می‌باشد. با هیتلری اخوان المسلمین بنا حزب " واقد" در انتخابات پارلمان مصر موفقیت‌هایی برای آنان حاصل کرده‌است و رئیس این سازمان شخصی بنام عمر تلمسانی که نماینده پارلمان مصر نیز می‌باشد، است. در اردن رهبر این سازمان شاهزاده حسن ابن تلال، برادر و جانشین شاه حسن می‌باشد. تا کودتای نظامی اکتبر سال ۸۰ رهبر "دخالت ملی" حزب بان اسلامیستی در ترکیه نجف الدین ابانگان بود که از اعضا فراماسیون است. هم چنین پادشاه اردن ملک حسین و سلطان حسن شاه مراکش از اعضا فراماسیون و نوکر صهیونیست‌ها می‌باشند.

بان اسلامیه چیزی جز يك حکومت دست نشانده و با مثل سگ زنجیری نیست که بوسیله کشورهای امیربالیستی و برای حفظ منافع آنها در کشورهای

عربی و اسلامی بر سر کار است و امیربالیست‌ها با استفاده از بان اسلامیه از بوجود آمدن دولتهای مترقی در کشورهای عربی و اسلامی جلوگیری میکنند پیشگامان بان اسلامیه و بطور مشخص اخوان المسلمین و " مجاهدین" خرابکارهای زیادی علیه دولتهای سوریه، لیبی و افغانستان انجام داده‌اند. با استفاده از ایدئولوژی بان اسلامی دولتهای ارتجاعی علیه کمونیستها فعالیت‌های زیادی در کشورهای اسلامی انجام میدهند. این دولت‌های ارتجاعی با استفاده از این قدرت به سرکوب آزادی خواهان و ملی گرایان می‌پردازند و کشورهای شرقی را در جیل و عقب افتادگی قرون وسطی نگه می‌دارند.

همکاری و هدف صهیونیست‌ها با فراماسیونرها و امیربالیست‌ها بوجود آوردن گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین می‌باشد تا کاملاً خواسته‌ها و اهداف آنها را دنبال کرده و حافظ منافع آنان باشند. امروزه امیربالیست‌ها با استفاده از ایدئولوژی بان اسلامیه دولتهای مترجعی در کشورهایمانند پاکستان، اندونزی، ایران، کشورهای خلیج فارس، مصر و اردن، سودان، سومالی و مراکش بر سر کار گذاشته‌اند که از منافع امیربالیست‌ها حمایت می‌کنند.

بهترین روش برای مقابله با امیربالیست‌ها صهیونیست و فراماسیونری، آگاه کردن توده‌های مسلمان و آشکار کردن حیل‌های امیربالیستی در پشت نقاب بان اسلامیه است. آگاه کردن توده‌های مسلمان به رابطه‌ی این واعظین دروغ اید و عقیده و افشا کردن اعمال این دولت‌های ارتجاعی بان اسلامیستی که نمایانگر اسلام واقعی نمی‌باشند. اینکه زمان آن رسیده است که ملت‌های مسلمان اهداف این ملابان بان اسلامی را شناخته و بدانند که این چیزی جز نابودی آزادی‌های آنان نیست، بان اسلامیه نقابی است که بوسیله آن به اهداف شوم خود جامعه عمل می‌پوشانند و این واقعیتی است که مسلمانان کشورهای مختلف باید با آن آشنا شوند.

**شورا**  
ماهنامه شورای ملی و مقاومت ایران

خبریه در طاس لرنده  
باید سبلی بخوریم، چاره‌ی نیست، امام خمینی!  
از آزادی شلمچه تا آمدی، پارلمانم.  
لطفاً جدید!  
جهالت مصلحتی!  
کار کرده‌ای مشکلات اقتصادی دولت دکتر مصدق (۲)  
قیام خیابانی  
شناسنامه‌تاریخ  
- نوزاد ملی مقاومت، میانه، بهار، اطلاعیه...  
- انتشار شهریور و مهر ۶۶

شماره ۳۵ و ۳۶، شهریور و مهر ۱۳۶۶



## شبنامه‌های مقاومت

## جنبش کنونی کارگری و وظایف ما

توضیح: این اعلامیه توسط رفقای سازمان در تهران تکثیر و توزیع شده است.

\*\*\*

سهر ماه ۵۷ شاهد گسترش چشمگیر اعتصابات و اعتراضات کارگری در سراسر کشور ما بود. اعتصابات عظیم کارگران و کارکنان شرکت نفت در خارک تا اعتصابات کارگران ذوب آهن، اعتصابات کارگران جلفا، اعتصابات کارگران بندر شاهپور، اعتصابات کارگران ماشین سازی تبریز، اعتصابات کارگران یا لایشگاه شیراز، اعتصاب کارگران نساجی بود، اعتصاب کارگران و فلنگران آبادان و اهواز و سراسر مناطق نفت خیز، اعتصاب کارگران گروه صنعتی بهمن، نمونه‌ای از مبارزات کوبنده طبقه کارگر ایران علیه رژیم پهلوی می‌باشد.

این اعتصابات همانگونه که تاریخ انقلاب ما شهادت می‌دهد علیرغم ظاهر اقتصادی، ماهیتی کاملاً سیاسی داشت و بعدها با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" عنصر قالب سیاسی اش را به نمایش گذارد. ضمن بزرگداشت این مبارزات قهرمانانه و ایزاز احترام نسبت به شهدای گرانقدر آن به جاست تا در این فرصت با در نظر گرفتن تجارب فوق‌نگاهی به شرایط کنونی جنبش کارگری ایران بیاندازیم.

شک نیست که در چند ساله اخیر و پس از افست موقتی ناشی از سرکوب و حشیانه اعتصابات کارگری توسط رژیم خمینی، دامنه این جنبش گسترش چشمگیری یافته و نمونه‌های ارزشمندی چون اعتصاب قهرمانانه کارگران ذوب آهن اصفهان از خود بجای گذارده است.

در جنبش چپ سنت غلطی از دیرباز وجود داشته است. این سنت غلط ذهنی‌گری و شعارپردازی، بجای واقع‌بینی و عمل انقلابی است. این سنت غلط عدم تمایز میان تهییج و آموزش، عدم برخورد صحیح و اصولی به شرایط و عدم تحلیل مشخص از شرایط مشخص است.

در رابطه با جنبش کارگری، چندین اصل تخطی ناپذیر موجود است که بدون آنها نمیتوان به تحلیلی صحیح و در نتیجه برنامه‌ای صحیح دست یافت. یکی از این اصول آنست که جنبش خود بخودی طبقه کارگر، جنبشی ماهیتاً بورژوازی است. بسیاری می‌پندارند که جنبش طبقه کارگر اگر خواستی سیاسی داشته باشد (چه علنی و چه پنهان)، دیگر جنبش خودبخودی نیست و آنرا جنبش آگاهانه می‌پندارند که از آنجائیکه در جوامع زیر سلطه ترور و خفقان هر جنبش اقتصادی سرعت سیاسی می‌شود، جنبش‌های اقتصادی کنونی طبقه کارگر نیز خود بخود سیاسی خواهد شد. این اصل گر چه ممکن است درست باشد (و ما سواره بسیاری را نیز بر خلاف آن سراغ داریم)، باز چیزی از خودبخودی بودن آن جنبش و در نتیجه از ماهیت بورژوازی آن نمیکنند. کمونیستها گر چه سرسخت‌ترین مدافعین جنبش‌های کارگری اند، لیکن سرز روشنی میان بلك

مبارزه صرفاً کارگری و بلك مبارزه پرولتری می‌کشند و هدف و کوششان ایجاد جنبش پرولتری است. بلك جنبش پرولتری حتی اگر هم خواسته‌هایی صرفاً اقتصادی داشته باشد، باز هم جنبش آگاهانه است و چنین جنبشی ارزشش صدها برابر بیش از بلك جنبش خودبخودی سیاسی است. آنچه جنبش خود بخودی را از جنبش آگاهانه پرولتری متمایز میسازد بر خلاف ادعای برخی از جریان‌های چپ، تشکیلات نیست، زیرا بلك اتحادیه کارگری بورژوازی مانند آنهاست که در کشورهای سرمایه‌داری اروپا و آمریکا رخنه‌اند) نیز تشکیلات است، لیکن بورژوازی است. رهبری پرولتری، شرط اصلی است و در برتو آن آگاهی شرکت کنندگان در اعتصاب به آنچه میکنند و رابطه‌اش با سایر کارگران کشور و مجموع جنبش انقلابی مکمل آن می‌باشد. این اصل امروزه در جنبش کارگری ایران وجود ندارد. همانگونه که در سال ۱۳۵۷ نیز موجود نبود. جنبش کارگری سال ۵۷ سیاسی بود، اما نه با آگاهی پرولتری. جنبش کارگری امروز نیز عمدتاً اقتصادی است و کماکان بدون آگاهی پرولتری تغییر این شرایط بصورت خودبخودی ممکن نیست. نمیتوان در انتظار وقوع آن نشست، زیرا در بهترین حالت آنچه ممکن است رخ دهد، رویدادی شبیه سال ۱۳۵۷ است و محصول آن نیز جز رژیم مشابه همین مرتجعین حاکم نخواهد بود.

شعار و تهییج بی پایه را باید کنار گذاشت و با هدایت یعنی راه پیشه کرد و بدون جنبش کارگری رفت و آمده هر رفتنی، رفتنی با برنامه و دید روشن نسبت به مشکلات کنونی. آنکس که از نزدیک با جنبش کارگری ایران در تماس باشد با مطالعه هراسی‌های ذهنی گرایانه بسامانی از جریان‌های چپ خواهد پنداشت که در شرایط اکتبر روسیه سر می‌برد.

رفقا، مقتون جنبش خودبخودی شدن، یعنی مقتون بورژوازی شدن، و مقتون بورژوازی شدن یعنی ترک مارکسیسم - لنینیسم. آنهاست که از هیچ فرصتی برای پرخاش کردن به ضرورت اتحاد در جنبش انقلابی دموکراتیک نمی‌گذرند و با انگ "بورژوازی" و "خرده بورژوازی" به ما می‌تازند، خود در آنجایی که باید وظایف پرولتری را انجام داد، تا خرخره در تمجید از جنبش بورژوازی غرق اند.

پیروزی باد جنبش کارگری ایران

سجفخا- پیرو برنامه (هویت) -

تهران - واحد فدایی شهید منصور اسکندری

۶۶/۷/۲

## برخی از رویدادهای تاریخی از صفحه ۱۲

۱۹۱۷ - انقلاب کمبو اکتبر، اولین انقلاب پیروزمند

پرولتری در جهان

۱۹۶۶ - روز استقلال جمهوری زامبیا

۱۹۷۶ - پیروزی انقلاب آنگولا بر استعمارگران

پرتغال و تاسیس جمهوری خلق آنگولا

۱۹۸۴ - ترور ناجوانمردانه ایندیرا گاندی نخست وزیر

هند

۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات عمومی در

نیکاراگوئه و پیروزی جبهه ساندینیستا

## سقوط ارزش سهام و بحران سرمایه‌داری

از صفحه ۱۴

کشورهای غریبی از جمله انگلستان و فرانسه با متوقف کردن فروش سهام سوسات دولتی از جمله بریتیش پترولیوم در انگلستان و شرکت سوشل در فرانسه سعی در جلوگیری از سقوط اقتصاد بیمار خود نمودند. تحلیلگران غریبی علت شروع بحران را افزایش نرخهای بهره تا سقوط دلار قلمداد کرده و هزمانی این مسئله با حمله آمریکا به بلك سکوی نفتی ایران در خلیج فارس و امکان بروز جنگ بین دو کشور را عامل دیگر معرفی نمودند. گذشته از بحرانهای دوره‌ای سرمایه‌داری که از مدت‌ها قبل پیش بینی میشد، با لا بودن ظرفیت‌های تولیدی و عدم توان بازار مصرف در جذب تولیدات، عامل اصلی ایجاد بحران بوده است. کسر بودجه افزایش یافته ۱/۳ میلیارد دلاری آمریکا و همراه با آن تورم ۴/۳ درصدی اقتصاد این کشور بفرامی بخار عظیمی که صرف ماجراجوییهای دولت ریگان در نقاط مختلف دنیا میشود بیاسدی بجز این بحران نمیتوانست داشته باشد. دولت ریگان از هفت سال پیش یعنی از مقطع روی کار آمدن این دولت و شکست دموکراتها در انتخابات، بمنظور پیشبرد اهداف امپریالیستی خود دستگاهی عریض و طویل به موازات دستگاه سنتی دولت در این کشور بوجود آورده تا بتواند جدا از ضوابط دست و پاگیر دولت و کنگره آمریکا بعضی از کارهایی از قبیل فروش اسلحه به رژیم خمینی و واگذاری عواید حاصل از آن به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را انجام دهد. هرگاه در نظر گرفته شود که خرج این دستگاه از بودجه دولت آمریکا بوده و ابعاد سرسام آور این مخارج مشخص شود تاثیر آنرا در ایجاد بحران میتوان فهمید. بدنبال کاهش بی در بی ارزش دلار کشورهای صادر کننده نفت نیز که عموماً با دلار معامله میکنند دچار کاهش درآمد های واقعی خود شدند. رژیم خمینی بهمین منظور و برای جبران این تفاوت قیمت پیشنهاد افزایش مجدد بهای نفت را ارائه داد. کشورهای مجربسه و اندونزی از این پیشنهاد حمایت کردند. ولی در نهایت از طرف بقیه کشورهای عضو اوپک رد شد. در تاریخ ۶ نوامبر ما بر دخالت بانکهای آلمان و سوئیس افزایشی بسیار جزئی در ارزش دلار در مقایسه با ارزش آن در روز ۲ نوامبر بدید آمد ولی هیچگونه راه نجاتی حاصل نشد. به گزارش خبرنگار بهمن راه‌یابی و خروج از بحران ناشی از کاهش بیسابقه بهای سهام در بازار بورس پیشنهادی را به ریگان ارائه دادند که به موجب آن کسری بودجه دولت طی دو سال آینده به میزان بیش از ۷۵ میلیارد دلار کاسته میشود. در این طرح کسری بودجه پیشنهادی سال آینده ۲۰ میلیارد دلار کاهش یافته و برای سال ۱۹۸۹ میزان ۴۵ میلیارد دلار کاهش در کسری منظور شده است. البته طبق قوانین آمریکا که از قبیل تعمیم شده طی سال مالی جاری ۲۳ میلیارد دلار از بودجه کشور کاسته خواهد شد، روند کاهش بهای سهام در بازارهای بورس همچنان ادامه دارد و کلیه تصدیقات دولتهای امپریالیستی برای کنترل بحران به نتیجه قطعی نرسیده است.

## گسترش اعتیاد در رژیم خمینی

از صفحه ۱۲

با منکرات در بدو بقدرت رسیدن بوجود آورد تساهل  
میتواند با این معضل جامعه مبارزه نماید ، ولی نه  
تنها نتوانست و با بهتر است بگوئیم که نتوانست  
با این معضل جامعه ، ریشه‌های برخورد نماید ، بلکه  
در اکثر مواقع خود سران رژیم مشغول وارد کردن این  
بلائی خانمانسوز به جامعه هستند تا بتوانند سود  
هنگامی از فروش آن بدست آورند . همانطور که ذکر  
شد ، مسئله اعتیاد بصورت جدی در جامعه ایران  
 مطرح است و میتوان گفت با توجه به باسترهای  
مختلف جمعیتی و نظایر اینها جامعه ایران در رده  
خیلی بالایی از نظر تعداد معناین فرار گرفته  
است و این معضل در حال تشدید و گسترش است .  
علت اصلی این پدیده ، وجود نظام ستمرگی حاکم  
و مناسبات تولید سرمایهداری است . از خود بیگانگی  
بیکاری و فقر و تهیدستی ، مهاجرت ، جنگ و فساد  
امنیت اجتماعی ، احساس تنهایی و فقدان شرایط  
مناسب برای زندگی اجتماعی و فقدان تفریحات  
مناسب سالم و ... مهمترین مظاهر این نظام هستند  
که به گسترش اعتیاد کمک میکند . در حالی که روز  
به روز تعداد بیکاران در سطح جامعه رو به فزونی  
است وفرد بیکار چون حالت ، سرمای بیکار مصرف  
را پیدا میکند برای فرسوشی و راحتی وجدانش به  
این بلائی خانمان برانداز روی می آورد و این مساله  
مشخص است که ، برای نامین هزینه اعتیاد ، از هیچ  
جانبی فروگذاری نخواهد کرد . رژیم خمینی سرورای  
اینکه جوانان را سرگرم کند و کاری نماید که آنها  
تسلیت به دردهای جامعه باسوی باشند ، اعتیاد را در  
بین جوانان رواج داده و حتی در جنبه‌های سرگرمی  
و تسلیت هم تمام افراد مستقر در جنبه‌ها آزانند که  
از هر نوع سواد مخفیری که می‌خواهند استفاده  
نمایند . طبق اخبار واصله در بعضی جاها خسود  
فرماندهین بخصوص فرماندهان سپاه ضد خلقی سواد  
مخفر را در اختیار افراد در جنبه‌ها قرار میدهند .  
در کل صحت گردان این معضل اجتماعی رژیم  
و بدورانش هستند .

اکنون سوال اینست که این معضل چگونه از  
دامان جامعه پاک خواهد شد؟ بطور کلی این مناسبات  
تنها با ریشه کن شدن نابرابریهای اجتماعی یعنی  
بزرگاری جامعه سوسیالستی و ساختمان جامعه‌های  
انسانی از بین میرود . اما در شرایط کنونی  
جواب‌های کلی به معنی اینست که هیچ جواب نداده  
باشیم ، راه حل‌هایی که شیوه‌های تربیتی را در شرایط  
رژیم خمینی توصیه میکنند نیز ، راه حل‌های  
انحرافی است . راه حل انسانی اینست که در گام  
اول رژیم خمینی را سرنگون نمود . گام‌های بعدی ، با  
استقرار یک رژیم دمکراتیک و انقلابی قابل پیگیری  
است .

## بیانیه شورای ملی مقاومت ایران

از صفحه ۱

فصاحتبار تهاجمات نظامی رژیم در زمستان سال گذشته ، که نزدیک به صدویستجاهزار تن قربانی آن شدند ، خمینی و  
رژیم ضدبشریش در افکار عمومی جهان چنان منزوی و بی‌آبرو شدند که حتی طرفهای معامله نیز از آنها فاصله گرفتند  
و برای دور شدن از ماجرابی که دیگر به گرداب بی‌اعتباری تبدیل شده بود به چاره‌جویی پرداختند .  
۲ - اما رژیم خمینی که هیچ‌گاه پروای نام و ننگ نداشته است ، برای منحرفکردن توجه مردم ایران و جهان از  
شکست سنگین و خردکننده‌یی که چه در صحنه بین‌المللی و چه در عرصه نظامی نصیبش شده بود بر بحران‌سازی و  
صدور تروریسم افزود و از جمله طرح توطئه دیگری را ریخت و به دست اوباش جیره‌خوارش در قبله‌گاه مسلمانان مکه  
به مرحله اجرا گذاشت . پیام خمینی به حجاج ، که در واقع چیزی جز دعوت به خونریزی و صدور آشکار تروریسم به  
کشورهای مختلف نبود ، در عمل به فاجعه خونین مکه انجامید و برای این رژیم جنگافروز و مردسوار جز ننگ و  
نفرت بیشتر چیزی به ارمغان نیاورد . رژیم خمینی بر ابعاد اقدامات تروریستی و تهدیدات و حملات جنگافروزانه  
علیه کویت به شدت افزود و در نتیجه آرایش و تعادل قوای موجود در خلیج‌فارس به کلی برهم خورد و موضع  
پیروان سیاست مناسبات با خمینی در این منطقه ، تغییر کرد . بدین‌ترتیب رژیم جنگافروز خمینی ، که برای رهایی از  
نتایج شکستهای رسوایی‌آورش راهی می‌جست ، این بار در دام توطئه‌های بی‌وقفه و بی‌پایان خود کاملاً اسیر شد و با  
دام‌زدن به بحران ، ضرورت اقدامی فاطح برای مهارکردن این نیروی ویرانگر و جنایتکار را پیشاروی کشورهای ذینفع  
قرار داد . آن‌گاه ناوگانهای جنگی آمریکایی و کشورهای دیگر یکی پس از دیگری - برای دهنه‌زدن به رنگی ست اختیار  
از گفداده‌یی که حرکات جنون‌آسایش خطر گسترش جنگ به تمامی منطقه را داشت - راهی آبهای خلیج‌فارس شدند .  
۳ - بنابراین هم چنان که مشول مستقیم ادامه جنگ کسی جز خمینی نیست ، مسئولیت مستقیم و کامل کشاندن  
نیروهای جنگی خارجی به خلیج‌فارس را نیز کسی جز همین چهار جنگافروز بر عهده ندارد . دلیل روشن این که  
چوبهای زیربغل رژیم ، که در مواقع عادی ادای «مخالفت» درمی‌آورند و ماسک «آزادیخواهی» و «صلح‌طلبی» به  
چهره می‌زنند ، در این موقعیت بحرانی چنان برای نجات رژیم بسیج شده‌اند که در سابقه ردالت از سردمداران  
بی‌آبروی رژیم پیش افتاده‌اند : در حالی که بنی‌صدر یقه پاره می‌کند تا با سر هم‌کردن قصه خنده‌آوری درباره  
«مثلث» توطئه‌گر ، مسئولیت خمینی و اوباشش را در جنایت مکه لوٹ کند ، بازرگان در نقش «اپوزسیون قانونی  
امام» در داخل کشور که ادعای صلح‌خواهی هم دارد ، در بیانیه‌های رسمی خود با بیانی ناشی از شوونیسم ، رژیم را  
به عدم پیروی قطعیانه شورای امنیت تشویق می‌کند به یافتن راههایی برای تجدید قوای رژیم می‌پردازد و برای  
پیشگیری از «تجاوزات مجدد عراق» به رژیمی که تجاوز و توسعه‌طلبی و تروریسم را در نهاد خود دارد ، «تفسیر»  
و «تعهد» می‌طلبند .

شورای ملی مقاومت ایران اعلام می‌کند که رژیم ضدبشری خمینی ، تمام بار مسئولیت ادامه جنگ ، دام‌زدن به  
نامانی و شبح در منطقه و بازکردن پای نیروهای مسلح خارجی به خلیج‌فارس را بر دوش دارد . رژیم خمینی ، به  
شهادت تجربه فاجعه‌بار و خونین هفتساله گذشته ، هیچ‌گاه به پیشنهاد صلح تن در نخواهد داد و همچنان بر ادامه  
جنگ و سیاست توسعه‌طلبانه‌اش پای خواهد فشرده . همه نیروهای صلح‌خواه جهان و همه کشورهای درگیر در این  
بازی مرگباری خمینی باید این واقعیت هزار بار به اثبات رسیده را بپذیرند . از اینرو شورای ملی مقاومت ایران بار  
دیگر از شورای امنیت ملل متحد ، به ویژه از اعضای دائمی آن ، می‌خواهد که با تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم خمینی ،  
مانع از رسیدن سوخت به ماشین آدمکشی این رژیم ضدبشری گردند ، لیکن باید تصریح کرد که استقرار صلح واقعی و  
پایدار تنها با سرنگونی رژیم جنگافروز حاصل خواهد شد و سرنگونی رژیم امری است که شورای ملی مقاومت ایران  
انجام آن را وظیفه محوری خود قرار داده است .

۴ - شورای ملی مقاومت هم چنین لازم می‌داند که توجه هم‌میهنان گرامی را به واقعیت روند فروپاشی رژیم جلب  
کند . این روند اینک چنان شتابی گرفته است که سردمداران رژیم خود پایان محتوش را به عیان می‌بینند و با همه  
وجود احساس می‌کنند . این رژیم جنگافروز اکنون به اوج انزوا داخلی و بین‌المللی رسیده است ، به طوری که دیگر  
نه توان بسیج نیرو برای تکرار ماجراجوییهای جنون‌آسایش را در ابعاد سال گذشته دارد و نه همچون زمان  
پنهان‌بودن روابطش با آمریکا و اسرائیل ، می‌تواند با دست باز جنگافزار و مهمات تهیه کند . علاوه بر اینها و مهمتر  
از همه ، ارتش آزادیبخش ملی ایران نیز اینک به چنان درجه‌یی از کارآیی و توان رزمی رسیده است که با هر حمله  
بخش قابل‌توجهی از نیروهای سرکوبگر و جنگافروز دشمن را به کام نابودی می‌فرستد ، و به همین سبب چگونگی  
روبارویی با ارتش آزادیبخش ملی اکنون به یکی از مهمترین مسئله‌های ذهنی سردمداران رژیم مبدل شده است .  
جای شک نیست که سرنگونی رژیم خمینی امری قطعی و چاره‌ناپذیر است . سرعت تحقق سرنگونی ، اما ، به دامنه  
پشتیبانی توده‌یی از مقاومت مسلحانه ، به ویژه به تقویت نیروهای رزمنده ارتش آزادیبخش ملی ، بستگی دارد .  
شورای ملی مقاومت از هم‌میهنان گرامی می‌خواهد که برای کوتاه‌ترکردن عمر ننگین رژیم ضدبشری خمینی ، در صورت  
توانایی ، به صفوف ارتش آزادیبخش ملی بپیوندند و در صورتی که چنین توانی را در خود نمی‌بینند ، به هر نحو که  
انگان دارد حمایت از مقاومت مسلحانه را هر چه گسترده‌تر و فعال‌تر کنند .

شورای ملی مقاومت ایران

۱۴ آبان ۱۳۶۶

در تکمیل  
آثار سازمان  
بکوشید

### خمینی: ما امروز گرفتار هستیم، چه گرفتار بهایی

روز سه شنبه ۶۶/۴/۷ آخوندهای فرومایه دربار خمینی تحت عنوان " ائمه جمعه شوکت کهنه در سومین سمینار سراسری ائمه جمعه سراسر کشور " از جمله مشکینی و خامنه‌ای با خمینی پلید دیدار کردند. در این دیدار دو مساله اساسی برجسته میشد. این مسائل عبارت بود از:

۱- بن بست های رژیم که خمینی آنرا "گرفتاری" نامید.

۲- تضاد بین حزب الله.

خمینی جلاد که در این دیدار بنا به اعتراف خودش حال گفتن بعضی مسائل را نداشت (من حال گفتنش را ندارم - خمینی) و بدلیل تکرار مکررات برخی مطالب را زائد میدانست (من زائد میدانم در خدمت آقایون که هستند مطلبی بگویم - من دعای میکنم - خمینی) و قرار بود فقط دعا بکند، اما کنار به دعا ختم نشد و از گرفتاری بهایی که دامن رژیمش را گرفته ناله سرداد. خمینی میگوید: " شما آقایون توجه دارید و من نباید عرض کنم که ما امروز گرفتار هستیم چه چه گرفتاری بهایی. تمام تبلیغات بر ضد ماست، تمام دنیا بر ضد اسلام قیام کرده اند." اگر چه خمینی بطور صریح و مشخص گرفتاریهای متعدد و بیشمار رژیمش را فاش نساخت. اما از لابلای حرفهایش بسادگی میتوان فهمید گرفتاری بهایی که او از آن می نالد چیست؟ آنچه که رژیم را گرفتار کرده و خمینی از آن می نالد بلاهای آسمانی نیستند بلکه واقعیاتی چون وجود مقاومت مسلحانه انقلابی سراسری به رهبری شورای ملی مقاومت، بن بست همه جانبه جنگ و وجود اختلافات شدید در میان حزب الله، بر بستر یک بحران انقلابی است.

۱- خمینی میدانند که بعد از گذشت ۹ سال از عمر رژیمش و توسل به ضد انقلابی ترین حریفها علیه

نوده‌ها از تحقیق گرفته تا سرکوبهای خوب - نتوانسته است مقاومت سراسری نوده‌ها را سرکوب نماید و هر لحظه که فرصتی پیش آمده و سرنیزه‌های رژیم دفاعی از سینه مردم دور بوده‌اند صدای اعتراض و تظاهرات بلند شده است. مقاومت انقلابی مسلحانه روز بروز بر اقتدار و قدرت نظامی اش افزوده می‌گردد تا جایی که دیگر شکست نظامی مقاومت حتی منصور هم نیست. ضربات ارتش آزادی بخش ملی بطور جدی رژیم را آشفته تر از پیش نموده است. خمینی میدانند که این مقاومت چگونه آنها را از اذهان و افکار عمومی جهان و در میان اکثر دولتها و در مجامع بین المللی انشاء و منزوی ساخته است. اگر به آه و ناله‌های خامنه‌ای در مجمع عمومی ملل متحد و دست دراز کردنهای رژیمش بسوی دولت آلمان غربی و درخواست مبنی بر تحدید فعالیت‌های شور و مجاهدین توجه شود درخواهیم یافت که این گرفتاری برای رژیم چه " گرفتاری بهایی" است. از طرف دیگر جنبش حق طلبانه خلق کرد همچنان از مشکلات بزرگ رژیم بشمار می‌آید. کردستان قهرمان گورستان پاسداران و ارتش شد خلقی رژیم خمینی است. بیشمارگان خلق کرد روز بروز ضربات کاری تر بر ماشین نظامی رژیم وارد می‌آورند.

۲- رژیم خمینی که همچنان بر ادامه جنگ اصرار می‌ورزد در بن بستهای همه جانبه‌ای قرار گرفته است. " صلح ضروری" به مشکلی عظیم بدل گشته است. اکنون رژیم ایران را امروز سر نیزه در شهرها و روستاها برای جمع می‌کند. به لحاظ نظامی تحرک در جبهه‌ها، در یکسال گذشته مربوط به شمالی (کردستان) بوده است. کربلاهای رژیم در این نقطه دهها هزار کشته و زخمی بر جای گذاشت و با این وجود چیزی جز شکست عاید رژیم نگردید. جبهه

جنوبی یعنی کانون اصلی جنگ در رکود بسر می‌برد. از نظر سیاسی در این مدت رژیم افتخاحات زیادی بهار آورده است. موضعگیریهای رژیم در برابر ملل متحد و قطعنامه جدید آن برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، و دسر کل آن که بقول رفسنجانی نوعی آتش بس است موید این بن بست سیاسی است. رژیم که قبلا از " آتش بس" واهمه داشت و در برابر پیشنهادات سجامع بین المللی و در رأس آن شورای امنیت ملل متحد مواضع تند و دو آتشه در رد آن اتخاذ میکرد، این بار نه " نوعی آتش بس" (علیرغم هرگونه هدئی که از آن دارد) که خود آنرا معنای حضور دسر کل سازمان ملل در شهران تفسیر کرد. تن داد. از جریانات خلیج فارس نیز رژیم جز رسوایی و بی آبرویی هر چه بیشتر سهمی نبرد.

رژیم قصد دارد از آب گل آلود ماهی بگیرد، یعنی اوضاع خلیج فارس را بعنوان نتیجه تداوم مبارزه به اصطلاح شد امپریالیستی اش معرفی کند. اما از طرفی توجه افکار عمومی از شکستها و عدم تحرک نظامی در جبهه‌های جنگ با عراق را منحرف کند و از سوی دیگر افتتاح " ایران کیت" را برده پوشی و بیا حداقل جبران کند.

۳- وجود تضادهای شدید میان حزب الله زبانه‌زود حاشی و عام است. خود رژیم هم به آن اعتراف دارد. خمینی نیز نمیتواند این تضادها را مهار کند، و مانع بروز آشکار آنها گردد. جریانات مربوط به مهدی هاشمی انحلال باند فاشیستی و مزدور مجاهدین انقلاب اسلامی، انحلال حزب چماق بدستان، اطلاعاتیه‌ها و دستور العمل‌های متعدد در رابطه با انتخابات ۰۰۰ از آن جمله‌اند.

هم اکنون یکی از عرصه‌هایی که جناحهای رژیم در آن همدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند انتخابات دوره سوم مجلس است که در اسفند ماه امسال برگزار

در صفحه

یک نمونه که مربوط به ۹ ماه قبل است چاپ میکنیم. تعداد کشته شدگان از یک کارخانه تا آخر بهمن ماه سال قبل و میزان غارت کارگران این کارخانه به نقل از کیهان رژیم شماره ۲ اسفند ۶۵

تصور این جنگ خانمانسوز را همواره شعله‌ور نگه‌دارد علاوه بر آن سرکوبگران رژیم برای ادامه حیات ضد خلقی خود، و ادامه جنگ ضد مردمی، چپاول و غارت نوده‌های مردم را هر روز گسترش می‌دهند. در زیر

### فقط از یک کارخانه

رژیم خمینی هر روز تعداد بیشتری از هموطنان ما را به مسلخ جنگ ضد مردمی اش روانه میکند تا

### اسامی شهدای کارخانه کاشی سعیدی

شنبه ۲ اسفند ۱۳۶۵ - کیهان  
۲۲ جمادی الثانی ۱۴۰۷



شهید علی محمد ستوار



شهید محمد حسین طیبی



شهید پداله گلستانی



شهید رحی تاجیک



شهید حسن رضائی



شهید حسن فرماتی



شهید حسین دبیری



شهید رمضان نجف‌زاده

### فعالیت‌های انجام شده کارکنان زحمتمکش کارخانجات کاشی سعیدی در رابطه با جبهه و جنگ

- ۱- وجه نقد جهت بازسازی گرمشهر ۶۰۲۶۵۲۰ ریال
- ۲- وجه نقد به جنگ زدگان ۹۰۵۸۱۲۳ ریال
- ۳- واقت نویوتا ۱۴ دستگاه به جبهه ۱۰۱۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۴- خسیر برای سنگر ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۵- اجناس متفرقه مورد نیاز جبهه ۸۷۲۸۷۰ ریال
- ۶- لباس گرم به جبهه ۳۳۷۲۸۴۳ ریال
- ۷- ترموس برای جبهه ۸۰۱۶۰۰۰ ریال
- ۸- پاکت نامه برای جبهه ۷۰۰۰۰ ریال
- ۹- کفلی کتانی برای جبهه ۳۳۴۹۵۰ ریال
- ۱۰- مینی بوس برای جبهه یکدستگاه ۲۱۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۱- موتور جوش با وسایل برای جبهه ۳۰۸۱۰۰۰ ریال
- ۱۲- روشن نمایی برای جبهه ۹۵۶۷۶ ریال
- ۱۳- شیرینی برای جبهه ۱۵۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۴- وجه نقد به جهاد سازندگی ۱۶۰۸۵۰۰ ریال
- ۱۵- کوفی خالی برای جبهه ۳۹۰۰۰۰ ریال
- ۱۶- پتو برای جنگ زدگان ۵۰۰ نته
- ۱۷- گوشواره طلا به جهاد یک جفت
- ۱۸- انگشتر طلا به جهاد یک جفت
- ۱۹- تحویل کتانی به سپاه ۱۷۸۴۹۱۰ ریال
- ۲۰- وجه نقد به ستاد انعام درمان ۹۵۰۴۱۴ ریال
- ۲۱- نانکرا آب برای جبهه ۹۹۰۰۰۰۰ ریال
- ۲۲- پتو برای جبهه ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۲۳- وجه نقد به سازمان تبلیغات ۲/۵۸۰/۰۰۰ ریال
- ۲۴- کمک به سیل زدگان ۲۳۳۲۲۴۴ ریال
- ۲۵- چرخ خیاطی کهار به سپاه ۱۵۰ عدد
- ۲۶- وجه نقد به نهادهای مختلف ۴۰۱۰۸۵۶ ریال
- ۲۷- اعزام نیرو ۵۵۰ نفر
- ۲۸- شهید ۸ نفر
- ۲۹- مجروح ۹ نفر
- ۳۰- اعزام اتوبوس ۵۵ دستگاه
- ۳۱- اعزام کامیون ۶۳ دستگاه
- ۳۲- اعزام آمبولانس یک دستگاه
- جمع کل معادل ۶۶/۸۷۷/۲۷۶ ریال

**قرارگاه رمضان از زبان عسگری  
فرمانده سپاه ضد خلقی در کردستان**

برنامه مردم و مسئولین - ۲۰ شهریور ماه ۶۶، زادیو سنندج  
خبرنگار: حاج آقا عسگری در مورد قرارگاه رمضان اگر اطلاعی دارید يك مقدار صحبت کنید.  
عسگری: قرارگاه رمضان بطور فعالیت میکند، به قرارگاه رمضان مسئولیت مبارزه با عراق رو بخصوص در بعد بکارگیری گروههای عراقی داده. گروههای عراقی سالهاست که به ایران پیشنهاد کرده بودند که ما حاضریم که در تحت امر شما کار بکنیم. تا چند سال پیش که یعنی تا سال ۶۵ مسئولین جمهوری اسلامی زیاد روی خوشی به این قضیه نشان ندادند چون اصولا ما در رابطه با گروهها براساس ثابت نشه اینها اون اهدافی رو که ما می‌خواهیم برایش مبارزه بکنیم در نظر داشته باشند و برای اون اهداف جنگه تا جایی که مردم خود کردستان عراق اومدن و اعلام آمادگی کردند برای اینکه ما می‌خواهیم با شما باشیم و در يك صف بر علیه دشمنان شما بکنیم که همون مدام باشه، مسئولین جمهوری اسلامی هم تصمیم گرفتند که قرارگاه رمضان رو تشکیل بدهند هم برای بکارگیری گروههای عراقی و هم برای بکارگیری مردم که الان در بکارگیری مردم موفقیت های بسیار زیادی داشتند. لشکرهاي مختلفی از مردم خود کرد و مردم عرب حتی در داخل عراق تشکیل دادند که دارند با مدام می‌جنگند و همین چند روز پیش شهر کانی ماسی رفتند و آزاد کردند و خیلی تلاشهای موفق داشتند. البته اگر خودتون بودند بهتر توضیح میدادند. اما ما مورستان بکاربری احزاب و گروهها و مردمی هستن که در عراق می‌خوان با صدام مبارزه بکنن.

**برخی از رویدادهای تاریخی**

داخلی:  
۱۲۸۷- اعصاب کارگران کارخانه چرم سازی تیرسر تحت رهبری سوسال دمکراتها  
۱۲۹۲- درگذشت ستارخان سردار ملی  
۱۳۰۴- ترور میرزا یحیی واعظ کیوانی (تروپسی) یکی از کمونیست های ایران هنگام طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مقابل ساختمان مجلس  
۱۳۲۲- آغاز حاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن نفت، توسط پیدادگاههای رژیم شاه شاه  
۱۳۳۳- اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه  
۱۳۳۳- تصویب قرارداد با کنسرسیوم بین المللی نفت به ابتکار پیر نوکر اشعمر، علی امینی خاثر  
۱۳۳۳- تیرباران چند گروه از افسران مبارز  
۱۳۳۸- اعصاب کارگران کارخانه شبنار اصفهان  
۱۳۴۲- تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امریکا با احیاء کاپیتولاسیون  
۱۳۵۷- آزادی گروهی از زندانیان سیاسی  
۱۳۵۷- اعصاب ۲۰ هزار کارگر ذوب آهن با خواست لغو محیط حکومت نظامی در کارخانه  
۱۳۵۷- کشتار وحشیانه دانش آموزان و دانشجویان قهرمان در دانشگاه تهران بدست عمال سرکوبگر رژیم شاه  
۱۳۵۷- سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی ارتش و آغاز اعصاب کارکنان مطبوعات و رادیو تلویزیون  
۱۳۵۸- اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان خط امام  
۱۳۵۸- سقوط کابینه بازرگان  
۱۳۵۹- اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه‌های مجاهد با زوی انقلاب و فریاد گودشمن توسط دادستانی ارتجاع  
۱۳۵۹- قتل عام روستائیان مدافع در ایندرفاش توسط رژیم خمینی  
۱۳۶۲- تصویب طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان خارجی:  
۱۹۲۵- تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات در صفحه ۹

**برای فتح قله‌های شهدای فدایی  
پرصلابت عشق؛ آبان ماه  
عشق به آزادی؛ آبان ماه  
عشق به مردم؛  
عشق به برابری؛  
یامرگ یا پیروزی.**

رفقای فدایی: سیروس سپهری - محمد رضا چمنی  
علی دبیری فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی  
هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر)  
محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - سریم دژآگاه  
سهران محمدی - مجید شریفی - همایون - هجرت  
عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه  
سرتضی فخر طباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد  
سپهری - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی از  
آبان ماه ۵۰ تا کنون طی مبارزه علمیه رژیم شاه و خمینی شهادت رسیده‌اند.

**گرامی باد  
۱۳ آبان روز  
خونین دانش آموز**

در تاریخ ۷ آبان امسال، دکتر جعفر شفیعی از اعضای کادر رهبری کومله، طی يك تصادف رانندگی در جاده بغداد - کرکوک، جان باخت. فقدان این مبارز با سابقه را به همسر، خانواده و دوستان او تسلیت می‌گوئیم.

**با کمک های مالی خود سازمان را در  
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید**  
هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.  
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشريه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

**حساب بانکی جدید**  
SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک  
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک  
03760 کد گیشه  
00050097851 شماره حساب  
MME: R-T-TALAT نام صاحب حساب

برای دریافت نبره خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید.  
HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090

**برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات  
سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید**  
F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

**گسترش اعتیاد در رژیم خمینی**

با رشد تکنولوژی و در نتیجه افزایش ارتش ذخیره کار، اعتیاد همچون فارچی سمی از جامعه بیرون آورده و نیروهای آینده جامعه، یعنی جوانان را به سم سرکبار خویش آلوده میسازد. از هم پاشیدن کانونهای گرم خانواده بخصوص خانوادههای تازه تشکیل شده، در کنترل شخصیت اجتماعی و از دست دادن تمامی امتیازات يك زندگی اجتماعی معمولی مثل کار و تحصیل، بوجود آمدن موجودی شکسته و بی اراده و فاقد توان جسمی و روحی، خودکشی و مرگ، زیر پا نهادن تمامی اصول انسانی و طبیعی و سرانجام فقدان هرگونه دستاویز ممکن در چشم اندازی از يك زندگی موفق، همه و همه تصاویری از زندگی سفولک يك فرد معتاد است.  
با اینحال رژیم خمینی تا کنون به این مسئله هیچگونه اهمیتی نداده و در واقع خود باعث رشد این امفی خطرناک در سطح جامعه شده است. مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر از سوی رژیم از حد شعارها و تبلیغات پا فراتر نپهناده است. رژیم با مصطلاح برای مبارزه با این بلاي جاسع ارگانی بنام مبارزه در صفحه ۱۰